

باقی سمندر

2012-02-15

پانزدہم فیبروری سال دوہزار ودوازدہم میلادی

دلو سال ۱۳۹۰ خورشیدی



عکسها سخن میگویند

محمد داود

نور محمد تره کی

حفیظ الله امین

ببرک کارمل

نجیب الله











موقعیت - پل حیرتان - « پل دوستی »

«هرچه باشد ، هرچه تلخ و ناگوار باشد، ما امروز باید
اعتراف کنیم :

افغانستان برای بسیاری و در گام نخست برای ما
روشنترین الگویی گردید که نشان میدهد، حل و فصل
مسایل سیاسی با توسل به زور بی نتیجه است"

بوریس گروموف - فرمانده قوای چهارم شوروی در
فغان ستان

**بیست و ششم دلو سال یک هزار و سه صد
و شصت و هشتم خورشیدی-**



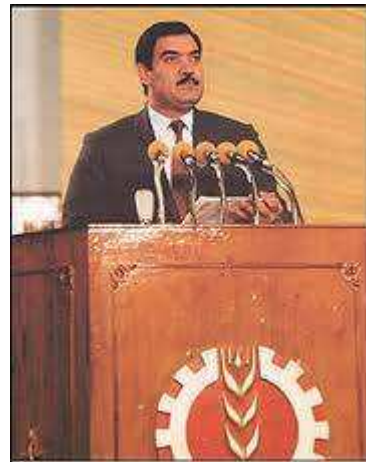
فراموش نکنیم !

پانزدهم فیروزی سال ۱۹۸۹

میلادی

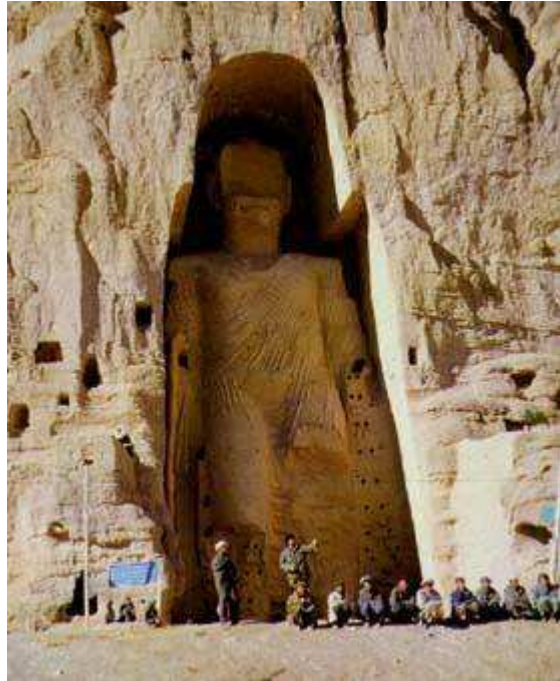
برابر به

بیست و هشتم دلو سال یک هزار و سه صد
و شصت و هشتم خورشیدی
رابطه بسیاریم .
چشم براه سال ۲۰۱۴
میلادی باشیم !











من برای خوانندگان ارجمند بخش های نوشتاری - دیداری و شنیداری را آماده ساخته ام تا شما همه بخشها را کماکان با دید انتقادی - بشنوید و ببینید و بخوانید و من از میان صد ها فیلم و نوشته های مستند نمونه هایی را برای همه ای ما و شما برگزیده ام تا آغازی باشد برای بازنگری اوضاع گذشته و گذشته نیز بتواند چراغی گردد برای روزهای تاریک و راه های ناکوبیده آینده ما در فغانستان .

شما اگر مایل باشید ده ها فیلم مستند با سخنرانی های احمدشاه مسعود گلبدین حکمتیار - عبدالرشید دوستم - عبدالعلی مزاری را در فغان ستان و سخنان - نوام چامسکی - برژینسکی - و تحلیل گران اقتصادی و سیاسی و فیلمهای از منابع شوروی سابقه را میتوانید ببینید و بشنوید و به نقد بکشید .

سخنان احمد شاه مسعود- گلبدین حکمتیار- عبدالرشید دوستم -
عبدالعلی مزاری و دیگران

سخنان زیگنیوبرژنسکی- ویلیام انگدال -
پاول جه- نوام چامسکی و دیگران در مورد افغانستان و منطقه
دنیای

مسئولیت فیلم ها و محتوی فیلم ها از فیلمبرداران و سخنگویان شان است که در میان خون و آتش این همه اسناد را جمع اوری نموده اند و تبصره های خویش بر جا مانده اند - ما میتوانیم فیلم ها را ببینیم اما نظر خود و تبصره های خود را داشته باشیم .

در نشانی پایانی شما میتوانید در هفت بخش تسلیم پذیری و تسلیم شدن حزب « وطن » را به مخالفین مسلح شان ببینید و در پایان این بخش با سخنرانی دکتر نجیب الله مقایسه نمایید ،

صحبت تیلیفونی احمد شاه مسعود با گلبدین حکمتیار را ببینیم و بشنویم

http://www.youtube.com/watch?v=p_Kp21GGccE&feature=related

<http://www.youtube.com/watch?v=WGOCPJSy5PY&feature=related>

http://www.youtube.com/watch?v=hgaKJyb28Zc&feature=mfu_in_order&list=UL

1

<http://www.youtube.com/watch?v=qizqdROkD4I&feature=related>

2

http://www.youtube.com/watch?v=5O8YE7vobWI&feature=mfu_in_order&list=UL

3

http://www.youtube.com/watch?v=JToi8Dd7Cbg&feature=mfu_in_order&list=UL

4

<http://www.youtube.com/watch?v=6q6ml-bMmHc&feature=related>

5

<http://www.youtube.com/watch?v=rmb7TWXT8D0&feature=related>

6

http://www.youtube.com/watch?v=glfBQmXH6AE&feature=mfu_in_order&list=UL

7

سخنرانی عبدالرشید دوستم صحبت با حامد کرزی و خلیل زاد و دیگران

<http://www.youtube.com/watch?v=-Qp8liUlrY>

<http://www.youtube.com/watch?v=XWYs8pnvTgs&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=gIfBQmXH6AE>

1

<http://www.youtube.com/watch?v=XMyi...>

۱

سخنرانی احمدشاه مسعود در سال ۱۹۹۲ میلادی را ببینیم و بشنویم

.

<http://www.youtube.com/watch?v=sJ46-rQxIp4>

۲

سخنرانی از عبدالرشید دوستم

<http://www.youtube.com/watch?v=dRjmE5S01Mw&feature=related>

سخنرانی گلبدین حکمتیار و خبر در مورد حزب اسلامی و نقش سی ای ای و بریژنسکی

<http://www.youtube.com/watch?v=EcQMXRpEOHU&feature=endscreen&NR=1>

سخنرانی های عبدالعلی مزاری

<http://www.youtube.com/watch?v=v10KoauD1b0&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=OWeAnNo4HOM&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=DntQFgn2PRU&feature=related>

مسئولیت فیلم برداری و محتوی سخنان از فیلمبرداران و سخنگویان حزب شان است – این فیلم های مستند در هشت بخش را ببینیم

<http://www.youtube.com/watch?v=3GSSAIr64cg&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=eCE2gSz3MPc&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=e8h0fKfP6Kk&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=QhboWT6KRx0&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=bwts7cJ7ie0&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=xt9gf9OERzs&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=G3SmKv8plxo&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=jsUI5CTeYBU&feature=related>

فیلم مستندی دیگری در چهار بخش

<http://www.youtube.com/watch?v=6HJO3RVdxIE&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=wvKR7XrdiI4&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=YkkYsvDIIfqE&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=GDOKqfVayLw&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=TAZkod3GS94&feature=fvwrel>

سخنان زیبگنیو-برژنسکی- ویلیام انگدال –

پاول - جه- نوام چامسکی و دیگران در مورد افغانستان و منطقه
ودنیا

<http://www.youtube.com/watch?v=4nAI7ShBQEk&feature=related>

http://www.youtube.com/watch?v=IM25EVU_s3w&feature=related

<http://www.youtube.com/watch?v=fO4ZtHbTEYY&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=NSgSkHCgnxc&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=s5gANTIVMTo&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=dO0sSl9y4d0&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=OB1fN2-Rdu8&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=h1YEtKJejJM&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=RGjAsQJh7OM&feature=relmfu>

<http://www.youtube.com/watch?v=bfikRg2jE6o&NR=1&feature=endscreen>

<http://www.youtube.com/watch?v=I17O3BIKGxk&NR=1&feature=endscreen>

<http://www.youtube.com/watch?v=bfikRg2jE6o&NR=1&feature=endscreen>

<http://www.youtube.com/watch?v=I17O3BIKGxk&NR=1&feature=endscreen>

<http://www.youtube.com/watch?v=9dlH8xmo2f8&feature=relmfu>

خروج قوای شوروی از فغان ستان

بیست و ششم دلو سال یکهزار و سه صد و شصت خورشیدی ،
یا پانزدهم فروری سال ۱۹۸۹ میلادی برای مردم افغانستان
روز بزرگ و به یاد ماندنی بوده و در این روز به نظر اکثر محافل
جهانی و حلقات عمده تحلیگران ، زحمات یازده ساله مردم
افغانستان بر ضد کودتاگران و تجاوزگران تاجایی به بار نشست
و تجاوزگران شوروی از افغانستان رسمن بیرون شدند ، اما
بعد از ان چه شد و چه ها دیدیم و شنیدیم و خواندیم ؟

در پانزدهم فروری سال ۱۹۸۹ میلادی یکبار دیگر حقانیت
ازادخواهی مردم فغان ستان و مبارزه آزادخواهی و مقاومت
بر ضد تجاوزگران به اثبات رسید و تجاوزگران شوروی از
افغانستان رسمن بیرون شدند . اما مبارزه ادامه یافت و ادامه
دارد ،

در پانزدهم فروری سال ۱۹۸۹ میلادی برابر به دلو سال
۱۳۶۹ خورشیدی :

زحمات انسانهای شرافتمندی که از آغاز وبدو تدارک وزمینه سازی وسفر بولگانین و خروشچف دردهه پنجاه میلادی در افغانستان دست رد به تلاشهای استعمار نوین شوروی یا تزاران نوین کریمین زدند و دردهه شصت میلادی با ستون پنجم شوروی هم‌رایی نکردند وتلاشهای شوروی انوقت را تلاشهای استعمارنوین تزاران نوین کریمین خواندند وبه روشنگری وافشاگری برضد طرح های تیوریک و پراتیک آن همت گماشتند وسازمان جوانان مترقی افغانستان را بنیان گذاشتند و ازسوم عقرب سال ۱۳۴۴ خورشیدی - ۲۵ اکتوبر - یا ۱۹۶۵ میلادی در عرصه تیوری و پراتیک درخط مستقل ملی پافشاری نمودند وبا تاسیس نمودن سازمان جوانان مترقی افغانستان خط فاصل خود را با دیگران روشنتر ترسیم کردند ومورد کینه توزی های رنگارنگ قرار گرفتند، در پانزدهم دلو سال ۱۳۶۹ خورشیدی تاجایی درمنصه عمل ثبوت گردید ومردم فغانستان دیدیدند که نتایج کودتای های بیست وششم سرطان و هفتم ثور و تجاوزاشکار شوروی به کجا ها کشید وتا چه حد باعث خون ریزی و کشتار ورنج وعذاب وشکنجه و آوارگی مردم ستمدیده ما گردید .

مردم فغانستان وتلاشهای شان تاجایی به ثمر نشست و نقش رهبری جنبش مقاومت رسمی وغیر رسمی مردم یکبار دیگر درسطح تیوری و پراتیک مورد آزمون تاریخی قرارگرفت و «دایه های مهربانتر از مادر» هم خط وخال خود را روشن تر ساختند و عده ای که از آغاز کمر همت به جنگ نیابتی بسته بودند و فغانستان را به حمام خون پاکت های نظامی وارسا وناتو تبدیل نموده و ازسوی سازمانهایی استخباراتی جهانی ومنطقوی مورد حمایت قرارداشتند ودارند تاامروز نقش خود را بازی مینمایند و اما مبارزه ملی - دیموکراتیک نه درنیمه راه توقف کرده ونه از پا خواهد ایستاد .

مبارزه ملی - دیموکراتیک - استقلال طلبانه و ازدایخواهانه به اشکال گوناگون ادامه یافته و تا پیروزی کامل مردم افغانستان وتحقق بخشیدن به خواسته های استقلال - آزادی

– دیموکراسی – برابری و عدالت اجتماعی به اشکال گوناگون
به پیش برده خواهد شد .

اکنون در کابل و افغانستان باز هم سالگرد- خروج قوای
استعمارنویین و تجاوزگر شوروی در ماه دلو امسال برابریه
پانزدهم فبروری سال ۱۹۸۹ میلادی فرا میرسد و ده ها رسانه
نوشتاری و دیداری و شنیداری به شکل از اشکال در مورد پانزدهم
فبروری سال ۱۹۸۹ میلادی و خروج قوای چهلیم و آخرین فرمانده
قوای شوروی بوریس گروموف مینویسند و نشرات شان را
گسترش میدهند .

اما از بد حادثه که یک کمپودر و شاگرد تنبل دوا سازی که مدرسه
پشاور را نیز نیمه تمام گذاشته است و با اسناد ساخته گی خود را
دکتور میداند، به مثابه وزیر معارف فغان ستان با تردستی
شرکایش در صدد ننتها تحریف تاریخ چهل سال اخیر فغانستان
بلکه در جستجوی تصفیه اسناد و مدارک و داده های رنگارنگ از
کتابهای معارف میباشد و با بهانه «مرهم گذاری» « وحدت ملی»
خواستار زدودن تفکر مقاومت برضد ارتجاع داخلی و خارجی و
نقش های رنگارنگ در افغانستان میباشد .

من این جملات را زمانی مینویسم که یک تعداد از عناصر انگشت
شمار در یک جبهه واحد اعلان ناشده به کمر ملامحمد عمر اخند و
ملا گلبدین اخند و ملا حقانی و شرکا دستمال گل سیب را بنام «
جنبش مقاومت و جنبش ضد امپریالیستی» بازو بسته مینمایند
و جلسات اخری در ارگ کابل و ترکیه و قطر و اسلام آباد و کجا
و ناکجا را تقدیس مینمایند و یک عده پادو های ارتجاع ژست
«انقلابی و ضد امپریالیستی» به چهره گرفته و میخواهند کماکان
بکس بردار نیروهای تامغز استخوان سیاه باشند و در کنار آی –
اس آی و ام آی سکس (شش) و شرکا خود را سرخرو جلوه دهند
تا رنگ زردی تاریخی خویش را مشاطه گری نموده باشند .

این عده خواستار تداوم جنایت به شکل پوشیده و اشکار میباشدند
و تصور مینمایند همه در خواب عمیق فرورفته اند و از گفتار
و کردار شان بیخبر مانده اند و میمانند .

یک عده ای کماکان بخاطر ارمانهای عظمت طلبی خویش به روان ماکیاوولی درود می فرستند و عده ای دیگر مصروف تهیه مواد سوخت برای جنگ های قومی و مذهبی و منطقوی میباشند .

عده ای شناخته شده و افشا شده باز هم :

از واشنگتن دی سی تا شیگاکو و از ماسکو تا بیجنگ - از برلین تا شانزه لیزه پاریس و از لندن تا جده و از اسلام آباد تا قطر و از تهران تا بیت المقدس چشم براه ریختن خون و جاری شدن دریای خون در کوی و برزن و باغ و راغ - شهر و ده سرزمین فغان ستان بوده و دقیقه شماری مینمایند .

من با نوشتن در مورد خروج قوای شوروی در پانزدهم فبروری سال ۱۹۸۹ میلادی از فغان ستان و تکثیر و انتشار دادن دوباره فیلم های با تبصره های مستندی از بیست سال واندی پیش میخوام برای همه انهاییکه فکر مینمایند که مشغول تولید فکراند - این اسناد انکار ناپذیر را پیش کش مینمایم و روان شهدای مردم فغان ستان را شاد خوانده و ارزو دارم تا مردم سرزمین بخاک و خون کشیده ام باز هم گوشت دم توپ جنگ های استخوان سوز - جنگهای نیابتی و جنگ های فرسایشی نگردند و مردم فغان ستان - شاهد استقلال - آزادی - برابری و عدالت اجتماعی را با تحقق بخشیدن مردم سالاری و دموکراسی به آغوش بگشند .

در این نوشتار مستند از سخنان بوریس گروموف- داکتر نجیب الله تا دیگران را خواهیم خواند .

در این یاد واره خروج ارتش چهل شوروی سخنان احمد شاه مسعود - گلبدین حکمتیار - عبدالرشید دوستم - عبدالعلی مزاری و دیگران را خواهیم دید و شنید .

من ارزو دارم تا شما بیشتر از یک هفته وقت بیابید و آنچه را من در برای شما تهیه کرده ام - بخوانش بگیرید - ببینید و بشنوید و درسهای از تاریخ سی و اند سال گذشته را جمع بندی نمایم .

بخاطر می سپاریم که :

در پانزدهم فروری سال 1989 میلادی بوریس گروموف یا آخرین فرمانده قوای اشغالگر شوروی افغانستان را ترک گفته و از پل حیرتان گذشت و پا به انطرف خط «سرحدات جنوبی» شوروی انوقته گذاشت. امروز بیست و سه سال از آن روز میگذرد. من در این جا آرزو دارم تا با علاقمند ان این نبشته و فیلم های واسناد انکار ناپذیر- خاطرات و یاد داشتهای گروموف را در آغاز ودکتر نجیب الله را در پایان باهم بخوانیم و از آغاز این بخش از علل تجاوز شوروی و علل و انگیزه های ایادی و دست پرورده گان آن باز هم آشنا شویم اینکه چه درسهایی از گذشته گرفته ایم و خواهیم گرفت، آنرا به سلیقه و برداشت های خواننده های گرامی میگذارم.

حتمن از خود خواهیم پرسید که قوای امریکائی و ناتو و متحدین چگونه و به چه بهانه ای آمدند و چگونه و چه وقت خواهند رفت و بعداً "چه خواهد شد؟"

در این مورد بایست درمورد سال ۲۰۱۴ میلادی بیاندهشیم و خود را آماده بسا از روزگار بدتر بسازیم و مبارزه ملی - دموکراتیک را ادامه بدهیم. سخنان از بریژنسکی در دولت امریکا و نوام چامسکی به مثابه منتقد ایالات متحده امریکا را خواهیم شنید و دید.

گروموف در کتاب **ارتش سرخ** در افغانستان نوشت:

" جنگ کبیر میهنی { جنگ جهانی دوم } چهار سال به درازا کشید ولی برای آنکه تاریخ فراگیر و مهمتر از همه واقعی آنرا نگاشت، برای پژوهش گران نیم سده هم کافی نبود. **شاید برای تجزیه و تحلیل حضور نیروهای شوروی در افغانستان که بیش از نه سال دوام یافت، نیز کمتر از این زمان بسنده نباشد.** پیرامون سالهای اندوهبار جنگ جهانی دوم، از لابلای کتابها و روایتها چیزهای بسیاری خوانده و شنیده بودم ولی **دست سرنوشت مرا به دامن جنگ دیگری افگند که کمتر خشونت بارتر از آن جنگ نبود.** برای نخستین بار، پانزدهم ماه فروری 1989 درست پی از پایان خروج نیروهای شوروی از افغانستان بمن پیشنهاد کردند تا کتابی در این مورد رابه رشته نگرش بیاورم. پس از آن هم چند پیشنهاد دیگر از این دست براریم رسید. من بادقت آنچه راکه در این باره به نشر

میرسید را مطالعه کردم ، و در بیشتر موارد به این باور رسیدم که این آثار توسط اشخاص احساساتی نگاشته میشوند ، تا اشخاص باصلاحیت. شاید هیچ کسی حقیقت جنگ افغانستان و پایمردی سپاهیان شوروی را نتواند همانند کسانی که خود در آن سرزمین جنگیده اند ، بازگو نماید . همین اندیشه مرا واداشت تا پیرامون رخدادهایی که خود در آن حضور داشتم ، مطلب بنویسم "

{ بوریس گروموف } کتاب ارتش سرخ در افغانستان

خواننده های ارجمند !

بوریس گروموف هم در مورد حقیقت جنگ افغانستان و هم در مورد " پایمردی سربازان شوروی " اشغالگر سخن گفته است و برمن است تا به مثابه فرزند سرزمین افغانستان در مورد پایمردی مردم افغانستان و فرزندان مام میهنم در مقاومت بزرگ میهنی برضد قوای اشغالگر شوروی که آن مقاومت میهنی دوبرابر زمان جنگ دوم جهانی ادامه یافت تا قوای اشغالگر شوروی سرزمین ما را ترک گفت ، چیزی بنویسم و از همه نویسندگان شرافتمند سرزمین کوهپایه های سربفلک کشیده هندوکش خواهشمندم تا هرچه آنچه در توان دارند بدون مسامحه بنویسند و این بخش تاریخ افغانستان را روشن تر بنگارند تا هموطنان ما بتوانند درسهای لازم از مقاومت و نبرد ضد تجاوزگران را بخاطر بسپارند و بتوانیم تمام سوء استفاده هایی را که تا هم اکنون از خونهای ریخته شده مردم ما صورت گرفته است و میگیرد، یکایک شناسائی کرده و برملا سازیم. جنگ ای که بگفته بوریس گروموف نه سال دوام کرد و کمتر از جنگ دوم جهانی آن خشونت بار تر نبود ، حتما" آغازی داشته است و پیامد هایی نیز.

بوریس گروموف نوشته است که :

" گسیل یگانهای رزمی در اواخر سال 1979 به افغانستان یکی از نقاط عطف سیاست خارجی اتحادشوروی طی تمام سالیان پس از جنگ کبیرمیهنی به شمار میرود. **آنانی که خود در نشست های دفتر سیاسی کمیتهء مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون وضعیت در افغانستان حضور داشتند، اکنون در این باره لب به**

سخن نمی گشایند که چگونه در باره اعزام سپاهیان شوروی به افغانستان تصمیم گیری شد؟

آن هنگام برپایه کدامین معیارها یا اوضاع پدید آمده در افغانستان ارزیابی می گردید؟

چه کسی در نهایت امر، گناه کشته شدن هزاران نظامی شوروی را که نه به خواست خود، خویشان را به سرزمین بیگانه یافتند و در نبرد های سهمگین رزمیدند، به گردن دارد؟

وسعت تشنج در منطقه جنوب خاوری آسیا و از دست رفتن مواضع اتحادشوروی در صحنه سیاست خارجی بروجدان چه کسانی سنگینی میکند؟ چنین برمی آید که رهبران سیاسی شوروی تصمیم مبنی بر استقرار واحد های نظامی در افغانستان را بر پایه اطلاعاتی اتخاذ کردند که به گونه منظم از طریق نهاد های گوناگون و در گام نخست از وزارت خارجه به دست می آوردند. همچنان گزارشهای مستشاران حزبی و نظامی افسران ک گ ب { کمیته امنیت دولتی اتحاد شوروی } که در افغانستان کار میکردند و به "میدان قدیم" سرازیر میگردد. تا چه اندازه اطلاعات، برداشت ها و توصیه های آنان با رویداد های واقعی افغانستان، وضعیت حزب دموکراتیک خلق و نیروهای مسلح آن کشور مطابقت داشت؟

پیامد های عملکردهای رهبران شوروی، به ویژه گسیل سپاهیان شوروی به افغانستان پیشگوئی گردیده بود؟

کشور ما ویژه گی های خودش را دارد. یکی از ویژه گی ها اینست که چهره واقعی رجال سیاسی و دولتمردان تنها پس از مرگ آنان، انهم پس از سالیان دراز روشن میگردد. آدمها دوست ندارند راز های سر به مهر خودشان را فاش بسازند. بر این بنیاد میتوانیم پیش بینی نماییم که راز سر به مهر اتخاذ تصمیم مبنی بر اعزام سپاهیان شوروی به افغانستان را ما به این زودیا نخواهیم دانست. لغزشهای گذشته را در نظر بگیریم و تلاش ورزیم تا آنها در آینده تکرار نگردند. به پندار من اسناد برگرفته از آرشیو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشین که برای نخستین بار در این کتاب چاپ میگردد، به تبصره ها و

تفسیر های بیشتری نیاز دارند. استینو گرام های نشستهای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب، نوار های گفتگو ها و مدارک دیگری که از دیر زمانی سر به مهر نگهداشته شده اند، خود تصویر بسیار روشنی از رویداد های گذشته ای نه چندان دور دست خواهند بود."

:

بوریس گروموف در مورد داستان کوتاه ای حزب دمکراتیک خلق نوشته بود که :

" از آغاز سال 1965 در کشور حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعال بود..... هنوز دوسال از کنگره موسس نگذشته بود که شاخه های "خلق" و "پرچم" به گونه نهائی آرایش یافته و به رویارویی چندین دهه ای باهم پرداختند. درگیریهای جناحی به میزانی خشونت آمیز بود که حتی مستشاران حزبی شوروی هم نتوانستند به آن پایان بخشند "

" دورنمای انقلاب افغانستان " حتی از آغاز وقوع آن یعنی بیست و هفتم آوریل سال 1978 روشن بود... رژیم تازه کابل "محکوم به پیروزی" بود و حق نداشت باحکومت نظربه دلایل زیر وداع گوید:

انقلاب در هیچ کشوری تا زمانی که اتحاد شوروی وجود داشت، نمیتوانست ناکام گردد. این امر بنوبه نخست شامل کشورهای هم مرز با اتحاد شوروی میگردد. تحول اوضاع در افغانستان میبایست بار دیگر نشان میداد که به رغم تاکیدات غرب، اندیشه های کمونیستی، کارائی ها و توانائی های خود را کاملاً از دست نداده اند... آنچه که در آوریل 1978 در کابل روی داد، می توانستیم به مثابه پیروزی استراتژیک اتحاد شوروی در منطقه ارزیابی کنیم. افزون بر آن موجودیت رژیم هوادار شوروی در افغانستان به مثابه برهان قاطعی میبود که نشان میداد تمایل دولتهای غربی مبنی بر تاثیر برکشورهای "جهان سوم" می تواند به محدودیت های شدیدی منجر گردد...

رهبران سیاسی افغان در بسیاری موارد باهم همانند اند. بسیاری از آنان زادگان پدران و مادران پولداری اند که زندگی خویش را در

محیط اشرافی گزرانده اند. شماری زیادی از آنان در یک لیسه آموزش دیده اند و یک دیگر را از کودکی می‌شناسند. مبارزه بی‌امان به خاطر رسیدن به قدرت آنان را به جناح‌های گوناگون پراکنده و آشتی‌ناپذیر گردانیده است. از این دیدگاه وقایع آوریل 1978 را میتوان به مثابه پیروزی یگ گروه بر گروه دیگر ارزیابی کرد. هواداران نورمحمد تره‌کی که در جناح "خلق" گرد آمده بودند، پس از رسیدن بقدرت، ناگذیر بودند در دو جبهه به مبارزه پردازند. از یکسو آنان نمی‌توانستند اجازه بدهند تا از پشت سر از سوی هم‌زمان خویش در حزب دموکراتیک خلق مورد شبیخون قرار گیرند و از سوی دیگر سرنگونی دولت انقلابی زیر فشار مخالفان برای ایشان تحمل‌ناپذیر بود. در بهار سال 1979 کاملاً روشن گردید که در افغانستان به مفهوم واقعی کلمه جنگ داخلی در گرفته است. پانزدهم ماه مارس در استان هرات، خیزش‌های دولتی که در آن نمایندگان عشایر پشتون بسیار فعال بودند، آغاز گردید. نیروهای توپچی و پدافند هوایی لشکر هرات نیز به پشتیبانی از شورشیان هرات برخاستند. شورش به 20 ماه مارس سرکوب گردید.

" زمان بحران "

حسب دستورهای شفاهی وزیر دفاع، مارشال اتحاد شوروی د.ف. اوستینف در ماه دسامبر بیش از 30 رهنمود مختلف داده شد که مطابق آن در " قلمرو فرماندهی نظامی ترکستان " و " فرماندهی نظامی آسیای میانه " نزدیک به یکصد یگان رزمی تشکیل شد. مرکز فرماندهی ارتش " سپاه " چهارم مشتمل بر سه لشکر موتوریزه، یک تیپ تهاجمی کماندو، یک هنگ ویژه موتوریزه، تیپ‌های توپخانه، موشک‌انداز. پدافند هوایی و همچنان چندین یگان مختلف رزمی و خدمات پشت جبهه تاسیس گردید. برای بسیج و تکمیل لشکرهای مستقر شده، بیش از 50000 افسر، درجه‌دار و سرباز از نیروهای ذخیره ارتش احضار گردیدند. جهت تامین نیازهای سپاه نزدیک به 8000 کامیون در اختیار موسسات تولیدی گذاشته شد. برای هر دو فرماندهی

نظامی این آرایش نظامی بزرگترین آرایش در نیم قرن اخیر بود. در پادگانها و کمیساریای نظامی بر این باور بودند که بازرسی عادی در جریان است تنها در 24 دسامبر در گردهمایی هیات رهبری وزارت دفاع اعلام گردید که رهبران شوروی تصمیم گرفته اند به افغانستان نیرو بفرستند تا فرا رسیدن این موعد، نیروهای عمده سپاه وظیفه داشتند بر پایه رهنمود وزارت دفاع اتحاد شوروی به سوی افغانستان مارش کرده و در قلمرو آن کشور مستقر گردند. زمان دقیق عبور از مرز تعیین گردیده بود.

ساعت یک بعد از ظهر 25 دسامبر سال " 1979 "

" بامداد 25 دسامبر 1979، فرمانده سپاه چهلیم، سر لشکر تورخاینف، دوبار با سر لشکر بابیه جان رئیس اداره عملیاتی ستاد کل نیروهای مسلح افغانستان و عبد الله امین، برادر بزرگ حفیظ الله امین در شهر کهندهژ - کندز در شمال افغانستان دیدار کرد. در همین زمان در نزدیکی " پل دوستی " که سپاهیان شوروی از روی آن آمد و شد میکردند، یگان های پشتیبانی سپاه، یک پل شناور 60 تنی برای گذار از روی رود آمو برپا کردند.

طرح اصلی استقرار نیروهای سپاه در آن خلاصه میگردد که در دو راستا از مرز دولتی گذشته و به قلمرو افغانستان در آیند و در پایان هجوم به ترمز - کابل - غزنین و تورغندی - هرات - قندهار - مهمترین مراکز اداری کشور را حلقه بزنند. چنین برنامه ریزی شده بود که پادگانهای سپاه را روی این حلقه مستقر ساخته ..."

" 25 دسامبر گردان ویژه اکتشافی، لشکر 108 زره دار از مرز دولتی افغانستان و شوروی عبور کرد. همزمان با آن هواپیمای ترابری نیروی هوایی با سیربازان جنگ

افزار های مربوط به لشکر 103 کماندوی هوایی از فرار مرز گذشتند. کماندوهای این لشکر با چتر به فرودگاه کابل فرود آمدند. در آستانه پیاده سازی نیرو به افغانستان معاون اول وزیر دفاع، مارشال اتحاد شوروی س. الف. سوکولوف و فرمانده نیروهای فرماندهی نظامی ترکستان سپهبد یو. پ. ماکسیمف به محل فرماندهی سپاه چهل حضور یافتند. به طوری که تورخاینف به یاد می آورد.... هجوم بسوی کابل شبهنگام ادامه یافت...

بامداد 26 دسامبر ژنرال تورخاینف همراه با مارشال سوکولوف برفراز کاروانهای اعزامی به افغانستان پرواز کردند. در همین هنگام کاروانهای لشکر 108 موتوریزه که به سوی کابل هجوم نموده بودند، به حومه این شهر نزدیک شدند....

با فرارسیدن بامداد 28 دسامبر لشکر 108 موتوریزه کاملاً در شمال خاوری کابل مستقر گردید و با نیروی لشکر 103 کماندوی هواپرد ارتباط برقرار ساخت. " 3 ببینیم که رهنمود رهبران شوروی در سطح دیپلوماتیک بین المللی چگونه بود؟

" خیلی سری

بخش خاص

نیویورک به نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل

در صورت تلاش کشور، مبنی بر مطرح ساختن درگیری ما در رابطه با افغانستان، در شورای امنیت سازمان ملل سرسختانه بکوشید تا از شمول این موضوع در دستور کار جلسه جلوگیری کنید. خاطر نشان بسازید که این مساله مربوط به مناسبات دو جانبه افغانستان و شوروی است، که دو کشور به حل و فصل آن میپردازند.

ضمنا یاد آور شوید که مطابق به ماده 51 آیین نامه سازمان ملل متحد جمهوری دموکراتیک افغانستان از حقوق پذیرفته شده بین المللی که از اتحاد شوروی در زمینه همکاری برای دفع تجاوز یاری درخواست نماید و اتحاد شوروی از اینکه چنین همکاری و یاری را به افغانستان ارائه دهد برخوردارند. " 4

ببینیم که روابط ایالات متحده امریکا و شوروی در مورد لشکر کشی به افغانستان چگونه بود؟

در همین کتاب نامه ایرا که برای جیمی کارتر روان شده، میبینیم و بخشهای آنرا میخوانیم که :

" خیلی سری

آقای رییس جمهور محترم

در پاسخ پیام تاریخی 29 دسامبر سال جاری شما لازم میدانم مطالب زیر را به اطلاع برسانم:

به هیچ وجه نمیتوان با ارزیابی شما از آنچه تا کنون در جمهوری دموکراتیک افغانستان میگذرد موافقت نمود. از طریق سفیر شما در ماسکو ما صادقانه برای امریکا و برای شخص شما حقایق رویداد های افغانستان و همچنان عللی که مارا وادار به دادن پاسخ مثبت به درخواست حکومت افغانستان مبنی بر اعزام واحد های محدود نظامی شوروی به آن کشور گردید، توضیحات مستندی ارائه کردیم.

... شما در پیام تان یادآوری میکنید که ما با حکومت ایالات متحده امریکا پیرامون مسایل افغانستان در آستانه اعزام نیروهای نظامی به این کشور مشورت نکرده ایم. اجازه بفرمایید از شما بپرسم آیا شما با پیش از آنکه به استقرار همه جانبه نیروهای دریایی تان به آبهای هم مرز با ایران در خلیج فارس دست زدید و در بسیاری دیگر از

مواردی که می بایست حد اقل ما را در جریان میگذاشتید،
با ما مصلحت کرده بودید؟

در روشنی آنچه که گفته شد زمختی برخی از جملات
پیام شما هویدا میباشد. آنها بخاطر چه است؟

ل.ای.بریژنف 29 دسامبر 1979 .. " 5 »

خروج قوای شوروی از افغانستان :

در مورد اینکه از آغاز تجاوز شوروی تا آخرین روز
اخراج آنها و فروپاشی شوروی بر حزب دموکراتیک
خلق و بعدا وطن ! چه گذشت و بالای مردم چند هزار تن
گلوله و سرب مذاب ریخته شدو چند هزار هزار انسان
کشته شدند و چند هزار هزار خانواده آواره شدند و چه
خسارات مادی و معنوی بر افغانستان و مردمش تحمیل
گردید؟ در این موارد و موارد دیگر باید زیاد نوشت .
یقینا فرزندان مرزوبوم افغانستان بر خود زحمت را
هموار مینمایند و در این موارد نوشته اند و باز هم خواهند
نوشت.

اما بخوانیم که فرمانده قوای تجاوز گر شوروی چه نوشته
است :

" شکست یا پیروزی

طی پنجاه سال اخیر جهانیان تماشاگر بیش از 90 در
گیری و جنگ منطقه ای بوده اند . پاره از این جنگ ها

سالها به درازا کشیدند . قربانیان بیشماری به همراه داشتند. برخی دیگر بی آنکه در بگیرند، در آستانه وقوع به خاموشی گراییدند.

.. برای نفرات محدود سپاهیان شوروی جنگ افغانستان به تاریخ پانزدهم فروری 1989 به پایان رسید.

اندوه‌بارترین ارمان جنگ افغانستان کشته شدن سربازان و افسران ما است.

از 25 دسامبر 1979 تا 15 فروری 1989 ما به تعداد 13833 نفر از جمله 1979 افسر و ژنرال کشته دادیم . در روند عملیات رزمی در قلمرو افغانستان افزون بر آن 572 تن از ماموران کاگی بی، 28 مامور انتظامی و 190 مشاور نظامی از جمله 145 افسر کشته شدند. 172 افسر به علت دیدن زخمهای سنگین خدمت نظامی را ترک گفتند و 6669 نظامی معیوب گردیدند که از جمله 1479 نفر آنان معلولان درجه اول اند. به علت اوضاع ناهنجار اقلیمی که زمینه را برای ساری شدن بیماریهای میکروبی در میان پرسونل سپاه فراهم میساختند بیش از 115308 نظامی مبتلا به بیماری زردی و 31080 نظامی دیگر مبتلا به بیماری برانشیت عمیق گردیدند.

نه سال تمام جنگ هزاران سرباز و افسر کشته و زخمی، مادران به سوگ نشسته، هزینه های سرسام آوری برای حفظ حکومت و شگوفائی اقتصادی افغانستان؟! !! آخر چه؟

همه اینها برای هیچ برباد داده شد؟

نه هرگز نه .

هرچه باشد ، هرچه تلخ و ناگوار باشد، ما امروز باید اعتراف کنیم :

افغانستان برای بسیاری و در گام نخست برای ما
روشنترین الگویی گردید که نشان میدهد، حل و فصل
مسائل سیاسی با توسل به زور بی نتیجه است"

فروپاشی فراگیر اردوگاه سوسیالیستی در آغاز و در پی
آن اتحاد شوروی در دسامبر 1991 تنها پیامد بحران
ژرفی بود که رهبران شوروی و کلا نظام در آن فرورفته
بودند. "

نگاهی به اسناد محرمانه و جلسه های درونی و در بسته و تلفون
های تره کی امین و گرومیکوو کاسیگین و.. :

اوضاع سیاسی - نظامی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی یا نخستین سال
کودتای هفتم ثور

"اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
به تاریخ 17 مارس در ساختمان کمیته مرکزی " خارج برنامه " }
یعنی در جلسه فوق العاده و اضطراری . تذکر از ب. س. { گرد
هم آمدند... بریژنف ضمن گفتگوی تلفونی با کریلینکو { عضو
دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی _ م { از خانه بیلاقی خود ،
گفت :

این موضوع هیچ تاخیری را روا نمیدارد ، من همین فردا می آیم.
"

" خیلی محرمانه در یک نسخه

" گرومیکوو:

برپایه آخرین گزارشهایی که ما از افغانستان چه به شکل رمز و چه از طریق گفتگو های تلفونی با مستشار ارشد نظامی خود رفیق گوریلوف و کاردار سفارت ، رفیق الکسی اوف به دست آورده ایم ، اوضاع در افغانستان به شدت وخیم گردیده است و اکنون استان هرات در مرکز ناآرامی ها قرار دارد. در هرات به گونه ای که از تلگرامهای پیشین بر می آید، لشکر 17 ارتش افغانستان مستقر است. اکنون اطلاع گرفته ایم که این لشکر از هم پاشیده است. نیروی توپچی و بخشی از نیروهای پیاده که در ساختار این لشکر شامل بودند، به جانبداری از شورشیان برخاسته اند...

" تخمین شمار شورشیان دشوار است ، اما رفقای ما میگویند که سر به هزاران میزنند، درست هزاران...

کریلینکو

درست همین طور... فشرده اینکه نظر به گزارش امین، رهبری افغانستان در رابطه با این رویدادها هیچگونه ناراحتی احساس نمیکند.

گرومیکو

آری امین حتی گفت که اوضاع افغانستان عادی است . او گفت که هیچ سرکشی ای از سوی استانداران گزارش نگردیده است. اما در واقعیت ، به گونه ای که رفقای ما گزارش میدهند، اوضاع در هرات و برخی از جاها پرتنش است.

تدبیرهایی را که ما برای افغانستان اتخاذ کرده ایم ، در پیشنهادهایی که در دست دارید ، بازتاب یافته اند . می خواهم بگویم که ما برای پاسداری از مرزهای افغانستان ده ملیون روبل { معادل پانزده ملیون دلار } دیگر اختصاص داده ایم { 5 }

نگاهی به گزارش دادن دو نظر پنهان و پوشیده در کمیته مرکزی شوروی و دولت خلقی ها و پرچمی ها و شورش و سرکوب نمودن شورش هرات در 24 حوت 1357:

کرلینکو گفته بود که " .. نظر به گزارش امین ، رهبری افغانستان ، در رابطه به این رویدادها هیچ گونه ناراحتی احساس نمیکند.

گرومیکو : آری ، امین حتی گفت که اوضاع افغانستان عادی است . او گفت که هیچ سرکشی ای از سوی استان داران گزارش نگردیده است

از امین پرسیدم - شما کدامین ناخشنودی را از سوی کشور همسایه و یا ضد انقلاب داخلی، روحانیون و مانند اینها انتظار ندارید؟ امین قاطعانه پاسخ داد- نه . برای رژیم تهدیدی وجود ندارد. در پایان خواهش کرد تا درود های او را به اعضای دفتر سیاسی به ویژه ال.ای. بریژنف برسانم . این بود گفتگوی امروزی من با امین.

سه ساعت بعد ، از رفقای خود اطلاع گرفتیم که در هرات نابسامانی هایی رخ داده است. یک هنگ توپخانه . یگ هنگ پیاده به روی مواضع خودی آتش گشوده و به شورشیان پیوسته اند. در نتیجه بخشی از لشکر 17 به دولت وفادار مانده که از هرات پاسداری میکنند.... نیم ساعت دیگر ماباز هم از رفقا اطلاع گرفتیم که رفیق تره کی ، مستشار ارشد نظامی، رفیق گوریل او ف و کاردار سفارت رفیق الکسی او ف را نزد خود فراخوانده است. موضوع گفتگو از چه قرار بود؟ مقدم بر همه او از اتحاد شوروی در زمینه تهیه جنگ افزار ، مهمات و خوار وبار کمک خواست، چیزی که ما در اسناد ارائه شده به دفتر سیاسی ، برای بررسی در نظر گرفته ایم. آنچه به کمک نظامی مربوط میگردد.

تره کی به گونه ضمنی گفت که ممکن است هم کمکهای زمینی و هم کمکهای هوایی لازم بیافتد. اینرا باید به معنی لزوم گسیل سپاهیان پیاده نظام و هم نیروی هوایی { شوروی } به افغانستان دانست. فکر میکنم که ماحین کمک به افغانستان باید به مهمترین اصل تکیه کنیم و آن اینکه تحت هیچ شرایطی نمی توانیم افغانستان را از دست بدهیم. ما الان 60 سال است که با آنان در سایه صلح و حسن همجواری زیست میکنیم. هرگاه حالا افغانستان

را از دست بدهیم ، از اتحاد شوروی رو برمیگرداند و این امر ضربه شدیدی به سیاست ما وارد می آورد. البته یک روی قضیه اینست که ارتش جانبدار خلق باشد و قضیه کاملاً سیمای دیگری به خود میگیرد.... به گونه ای که رفقا گوریل اوف و الکسی اوف اطلاع داده اند ، روحیه رهبران افغان همچون تره کی چندان رضایت بخش نیست.

مارشال اوستین اوف :

من علاوه بر رفیق الکسی اوف با رفیق گوریل اوف مستشار ارشد نظامی ما در کابل همین چند لحظه پیش تیلیفونی تماس گرفتم . وی گفت که رهبران افغانستان از وضع پدید آمده ناراحت شده اند. وضع به ویژه در استان هرات و نیز در استان پکتیا خراب است. چیزی که بسیار ناگوار است ، آنست که لشکر محافظ هرات نامطمئن است و فرمانده لشکراکنون در فرود گاه شهر است ، دقیقتر اینکه با پنهان شدن در آنجا روشن است که هیچ عمل نیروهای وفادار به دولت را رهبری نمی کند.

در نظر است سپیده دم فردای 18 مارس گروه های عملیاتی به سوی هرات فرستاده شوند. ما به رفیق تره کی ارائه طریق کرده ایم برخی از یگانها را به منطقه بروز شورش پیاده نمایند. او به نوبه خود پاسخ میدهد که دست زدن به چنین عمل دشوار است، زیرا در سایر نواحی نیز نا آرامی است. فشرده سخن اینکه آنان چشم به راه ورود نیروهای زیادی از سوی اتحاد شوروی اعم از پیاده .. نیروی هوایی استند.

اندروپ اوف :

{ رییس کاگی ب، بعد ها دبیر کل کمیته مرکزی حزب }

آنها امیدوارند که ما بر شورشیان ضربه وارد کنیم .

کرلینکو :

پرسشی مطرح میگردد مبنی بر اینکه هرگاه ما سربازان خود را آنجا وارد کنیم آنان با چه کسانی خواهند جنگید؟ با شورشیان ؟

شمار زیادی از روحانیون به شورشیان پیوسته اند. این روحانیون مسلمان اند و در میان آنان { شورشیان } تعداد بسیار زیاد از مردم وجود دارند. به این ترتیب ما تا اندازه زیادی با مردم در جنگ هستیم.

الکسی کاسیگین { نخست وزیر } :

ارتش افغانستان چگونه است و چند لشکر دارد ؟

مارشال اوستینوف :

ارتش افغانستان ده لشکر دارد و بیش از صد هزار است .

گرومیکو:

تا کنون توازن نیرو میان هواداران دولت و شورشیان چندان روشن نیست. در هرات وقایعی رخ داده که رویهمرفته پر تلاطم اند، زیر بیش از هزاران نفر کشته شده اند ولی انجا هم وضعیت روشن نیست.

اندورپ اوف :

البته شورشیان رخنه کرده به قلمرو افغانستان ، در گام نخست به آن می پردازند که نا آرامی به راه اندازند و مردم افغانستان را به سوی خود بکشانند.

کاسیگین : فکر میکنم باید مسوده فیصله نامه پیشنهاد شده را جدا" تصحیح نمود. به هیچ وجه درست نیست واگذاری جنگ افزار ها را تا ماه اوریل به تاخیر بیاندازیم. باید همه چیز را همین الان بدون تاخیر داد . در همین ماه مارس. دوم اینکه به گونه ای باید رهبری افغانستان را از نظر روانی حمایت کرد. من پیشنهاد میکنم تدبیرهای زیر اتخاذ گردد:

به تره کی اطلاع داده شود که ما بهای گاز را از 15 روبل به 25 روبل در ازای هر هزار متر مکعب بالا میبریم.

{ یک روبل معادل 1،65 دلار امریکائی } این کار امکان میدهد با افزایش بهای گاز مخارجی را تامین کرد که برای آنان در رابطه با خرید جنگ افزار و سایر مواد ، بروز میکند. به نظر من لازم است ، این جنگ افزار ها را به گونه رایگان در اختیار افغانستان گذاشت و از 25% چیزی یاد آوری نکرد.

دیگران : درست است.

کاسیگین :

سوم اینکه ما در نظر داریم برای آنان 75000 تن گندم بدهیم. من فکر میکنم که باید این مساله را مورد بازنگری قرار داد و برای افغانستان صد هزار تن گندم داد... گذشته از اینها که در اینجا نوشته شده است به ارز آزاد. کدام ارز آزاد؟

ما نمی توانیم چیزی از آنها دریافت کنیم". (*)

مارشال اوستین اوف :

تمام آنچه که در مسوده مصوبه در باره واگذاری جنگ افزار به افغانستان نوشته شده است، همه عملی خواهد گردید ، همین حالا تحویل و ارسال آنها انجام میگردد. متأسفانه من نمی دانم ، آیا ما خواهیم توانست تا اوریل همه چیز را تحویل بدهیم ؟ این کار خیلی دشوار خواهد بود. من خواهش میکنم در رابطه به تحویل جنگ افزار ها، مصوبه به طوری که اینجا آمده است ، تصویب گردد. آنچه مربوط به پرداخت بهای این جنگ افزار ها میگردد ، ان را حذف میکنیم.

کاسیگین : همه چیز باید بی درنگ تحویل داده شود. درست از همین فردا.

مارشال اوستین اوف :

خوب ما اینکار را میکنیم و حتی کنترل هم میکنیم که فردا تحویل شوند.

کیریلینکو :

جنگ افزار ها باید در ماه مارس تحویل داده شوند.

کاسیگین :

... من میخوام این موضوع را مطرح نمایم :

هرچه که بگویید ، هم تره کی و هم امین واقعیت امر را از ما پنهان میکنند. ما تاکنون به تفصیل نمیدانیم که در افغانستان چه میگذرد؟

چگونه آنان اوضاع را ارزیابی میکنند؟ آخر آنها تا کنون منظره را با رنگهای رنگین کمان ترسیم میکنند. اما در واقعیت امر ما میبینیم که آنها آدمهای خوبی هستند، اما چیزهای بسیاری را از ما پنهان میکنند. علت آن چه است ، دانستن آن دشوار است.

من فکر میکنم ، رفیق گرومیکو که ما باید مسله سفیر را حل کنیم. سفیر کنونی ما شخصیتی قدرتمند نیست و او آنچه را لازم است انجام نمیدهد. افزون بر آن من لازم میدانم که شمار دیگر مستشاران مجرب نظامی را به افغانستان بفرستیم. بگذار بدانند در ارتش چه میگذرد؟

بعد من فکر میکنم که اتخاذ تصمیم های سیاسی لازم میباشد. ممکن است مسودهء چنین مصوبهء سیاسی رارفقای وزارت امور خارجه ، وزارت دفاع ، کا، گی، بی و شعبه امور بین المللی کمیته مرکزی حزب تدوین نمایند. روشن است که ایران ، چین و پاکستان با تمامی تدبیرها و روشها ضد انقلاب عمل خواهند کرد و برای دولت قانونی افغانستان مزاحمت خواهند کرد و کلیه کارکردهای آن را بی ارج خواهند گردانید. درست همین جا است که حمایت سیاسی از تره کی و حکومت وی لازم می افتد . البته کارتر نیز ضد رهبری افغانستان خواهد برخاست. در صورت لزوم نیروهای نظامی با چه کسانی خواهیم جنگید؟.....

درواقعیت امرتا همین اکنون تیرباران مخالفان ادامه دارد. ایشان تقریبا تمامی رهبران نه تنها رده بالا بلکه رده متوسط گروه پرچم را نابود کرده اند.....

اوستینوف :

فکر میکنم در صورت گسیل نیرو ما نباید تحت هیچ شرایطی یگانهای رزمی خویش را با واحد ها افغانی در آمیزیم.

کاسیگین :

ما باید یگان های رزمی خود را تشکیل بدهیم، برای آنان آیین نامه تدوین کنیم و آنان را تحت فرماندهی ویژه گسیل داریم.

اوستینوف :

ما دو امکان عملیات رزمی را تدوین نموده ایم. امکان اول اینکه ما طی یک شبانه روز به افغانستان لشکر 105 هوابرد و لشکر 68 موتوریزه را در حوالی مرز مستقر بسازیم. در این صورت لشکر 5 زرهی در امتداد مرز باقی خواهد ماند. به این ترتیب طی سه شبانه روز ما برای اعزام نیروها آماده خواهیم بود. اما تصمیم سیاسی در این باره لازم است.

کرلینکو :

رفیق اوستینوف مساله را درست مطرح میکند. برای ما لازم است تا در مقابل شورشیان اقدام کنیم. در سند نیز باید در این باره به گونه ء مشخص گفتگو شود. افزون برآن باید بخ ترخ کی تاکید کنیم که هرگاه کار به اعزام سپاهیان ما بکشد، نگاه حل مساله به زمینه نیاز دارد. ما نمی توانیم بدون درخواست حکومت افغانستان نیروهای خود را اعزام نماییم. بگذار رفیق تره کی نیز این را بداند و در گفتگوی رفیق کاسیگین با تره کی در این باره لازم است، یک طوری مستقیم صحبت شود. افزون برآن لازم است به تره کی گفته شود که تاکتیک خود را عوض نمایند. تیرباران ، شکنجه و اعمالی از این دست را نمیتوان به مقیاس گسترده به کار گرفت. مساله مذهب ، روابط با جماعات مذهبی اهمیت بسیار دارد. باید به

تره کی با قاطعیت گفته شود که نباید دست به عمل غیر مجاز بزنند. اسناد را لازم است همین فردا آماده کرد. فردا ما با لئونید ایللیچ (بریژنیف) مشورت میکنیم. که این کار را چه گونه بهتر میتوان انجام داد.

اندروپ اوف :

در هرات بیش از بیست هزار نفر از مردم در شورش شرکت کرده اند. آنچه مربوط به مذاکرات با تره کی میگردد ، فکر میکنم بهتر است رفیق کاسیگین با تره کی گفتگو کند.....

لازم است تا ما به تدوین مصوبهء سیاسی پرداخته و در نظر داشته باشیم که احتمالاً برما برچسپ تجاوز گری خواهند زد. نمی توانیم افغانستان را از دست بدهیم.

پوناماری اوف :

... انجارا ببینید که یک گروه بیست هزار نفری شورشیان پیروز میشوند . مقدم بر همه باید تمام کارهای لازم را توسط نیروهای ارتش افغان انجام داد ، بعدا هرگاه واقعا نیاز پیش بیاید، سپاهیان خود را اعزام کرد.

کاسیگین :

... هرگاه ما انجا سرباز اعزام نماییم ، بایست دلایل مقتضی را گرد بیاوریم و همه را مفصلاً بحث کنیم. ممکن است کسی از رفقای مسئول برای روشن ساختن مفصل تر اوضاع در محل به افغانستان برود. شاید رفیق اوستینوف یا یک رفیق دیگر... ما در افغانستان 550 مشاور نظامی داریم. انها باید تناسب نیرو را در ارتش بدانند.

گرومیکو :

... تنها یک موضوع روشن است- ما نمیتوانیم افغانستان رابه دشمن بدهیم. چگونه به این هدف برسیم، باید فکر شود.

کاسیگین :

همه ء ما یک دیدگاه داریم : افغانستان را نباید از دست بدهیم در گام نخست باید سند سیاسی ترتیب گردد. باید کلیه ء ابزار سیاسی برای کمک به رهبران افغانستان جهت تحکیم قدرت استفاده شود. همچنان کمکهایی را عملی کرده و انجام عملیات نظامی را به مثابه اقدام نهائی می گذاریم.

.....

کرلینکو

دشواری اینجاست که بسیاری از فرماندهان را در ارتش یا باز داشت و یا تیر باران کرده اند و این امر تاثیر منفی و بزرگی برجای گزارده است.

گرو میگو :

... در هر حال باید گفت که رهبران افغانستان بسیاری از مسایل را از ما پنهان میدارند و نمی خواهند با ما راست باشند. این امر خیلی درد آور است .

اندروپوف :

به نظر من لازم است کشورهای سوسیالیستی را در جریان این اقدامات بگذاریم.

کرلینکو :

رفقا ما در این باره زیاد صحبت کردیم . دیدگاه های ما روشن است. بیایید نتیجه گیری نماییم.

1 : لازم است رفیق کاسیگین کار تدوین سند ارایه شده را برعهده بگیرد....

2- لازم است تا رفیق کاسیگین با رفیق تره کی گفتگو کند...

3-مساله تدوین سند سیاسی را با توجه به تبادل افکار در باره مشی ما در رابطه به افغانستان برعهده رفیق گرومیکو ، رفیق اندورپوف ، رفیق اوستینوف و رفیق پوناماری اوف بگذاریم .

4- به منظور جلوگیری از مداخلات پاکستان در امور افغانستان ، باید از طریق وزارت امور خارجه با این کشور تماس گرفته شود.

5- من فکر میکنم که ما باید با پیشنهاد رفیق اوستینوف در رابطه با کمک به ارتش افغانستان در زدایش ناهنجاریهایی که با آن رو برو گردیده است، توسط نیروهای نظامی ما موافقت کرد.

9- لازم است به دقت بیاندیشیم که به الزاماتی که سایر کشورها به اتحاد شوروی وارد خواهند کرد، و ما را به این تجاوز و از این قبیل متهم خواهند گردانید ، چگونه پاسخ دهیم .

10- به وزارت دفاع اجازه داده شود تا دو لشکر را به مرز میان افغانستان عزام و سر انجام به گونه ای که اینجا پیشنهاد گردید کشورهای سوسیالیستی را از تدبیر هایی که ما اتخاذ نموده ایم ، مطلع ساخت." (6)

خواننده های ارجمند و گرامی !

اگر این اقتباس از کتاب ارتش سرخ بر شما ناخوشایند بوده باشد ، متاسفم. اما ما میبینیم که درست در سال اول کودتای هفت ثور توسط

دولت شوروی آن وقت فیصله به اعزام نیرو بخاطر سرکوب شورش بیست هزار نفری در هرات افغانستان صورت گرفته بود شخص بریژنیف هم رخصتی خود را برهم زده و به ماسکو آمده بود تا بداند که رفقای چه باید بکنند و نکنند. در این گزارش سری دیدیم که کشتار دسته جمعی در افغانستان را شوروی میدانست ولی

طرفدار تغییر تاکتیک ها بود. در گزارش دیدیم که بین امین وتره کی در نحوه برخورد ها تفاوت وجود داشت و دیدیم که شوروی ها طرفدار ساختن زمینه برای لشکر کشی بودند. **فراموش ننماییم که برای لشکر کشی و اشغال یک کشور اول زمینه سازی مینمایند ، بعداً" برای ان پاسخ از قبل تیار میکنند.**

اینک توجه شما را به خواندن بخشهای یک گزارش خیلی سری و بخش خاص که گفتگوی تلفونی کاسیگین و تره کی است جلب مینمایم.

""گفتگوی تلفونی به کمک مترجم :

کاسیگین : به رفیق تره کی بگوئید که من میخواهم از سوی رفیق بریژنف و اعضای دفتر سیاسی به وی دروهای های فراوان را بفرستم.

تره کی : سپاسگذارم.

کاسیگین : .. رفیق تره کی ممکن است اوضاع افغانستان را شرح دهید

تره کی : اوضاع خوب نیست . رو به خرابی دارد. طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک به چهار هزار نفر نظامی با لباس غیر نظامی به افغانستان فرستاده شده اند. حالا تمام لشکر 17 پیاده به علاوه واحد های توپخانه و دفاع هوایی که به روی هواپیمای ما آتش گشوده اند، در دست آنان است. در شهر جنگ در جریان است .

کاسیگین : تعداد افراد لشکر چند است ؟

تره کی : نزدیک به 5000 نفر، کلیه مهمات و انبارها بدست آنان است.

کاسیگین : آنجا برای شما چند نفر مانده است ؟

تره کی : 500 نفر. آنها تحت رهبری فرمانده لشکر در فرودگاه شهر مستقرند. برای تقویت آنان ما با هواپیما ها از کابل گروه عملیاتی پیاده نموده ایم. این گروه از بامداد امروز آنجا قرار دارند.

کاسیگین :

در میان کارگران ، شهر نشینان و کارمندان هرات، آیا کسانی هستند که از شما پشتیبانی کنند ؟

تره کی : پشتیبانی فعال از سوی مردم شهر دیده نمیشود. مردم کاملاً زیر تاثیر شعار ی شیعیان مانند " سخنان بیخدایان را باور نکنید و به سوی ما بیایید " قرار گرفته اند. تبلیغات بر این پایه مبتنی است..

کاسیگین : جمعیت هرات چند است ؟

تره کی : حدود 200 تا 250 هزار نفر . مردم با در نظر داشت تحول اوضاع عمل میکنند. هر جاکه آنها بکشانند، به همانجا می روند. حالا آنها از جانب مقابل پشتیبانی میکنند.

کاسیگین : شما دور نمای اوضاع را در هرات چگونه می بینید؟

تره کی : فکر میکنم که امروز شام یا فردا صبح هرات سقوط میکند و کاملاً به دست مخالفان خواهد افتاد.

کاسیگین : آینده را چگونه پیش بینی میکنید؟

تره کی : ما معتقدیم که مخالفان واحدهای تازه ای را تشکیل داده و به پیش روی ادامه خواهند داد .

کاسیگین :

شما نیرو ندارید که آنان را شکست بدهید ؟

تره کی : کاش می داشتیم...

کاسیگین : شما در رابطه به این مساله چه پیشنهاد هایی دارید؟

تره کی : ما خواهش میکنیم که شما به ما کمکهای عملی ، انسانی و تسلیحاتی کنید.

کاسیگین : این مساله خیلی دشوار است.

تره کی : در غیر این صورت شورشیان به سوی قندهار حرکت کرده و پس از آن به سوی کابل خواهند آمد. ایران و پاکستان روی یک برنامه برضد ما عمل میکنند و به همین خاطر اگر شما حالا به هرات ضربه بیاورید، ممکن است انقلاب را نجات بدهیم.

کاسیگین : جهانیان همه از این کار آگاه خواهند شد. شورشیان دستگاه مخابره دارند ، آنها فوراً اطلاع خواهند داد.

تره کی : تمنا میکنم ، کمک کنید.

کاسیگین : ماباید در باره این مساله رایزنی کنیم.

تره کی : تا شما مشورت کنید ، هرات سقوط خواهد کرد و آنگاه درد سرهای بزرگتری هم برای اتحاد شوروی و هم برای افغانستان به بار خواهد آمد....

کاسیگین : هرگاه به شما سریعاً تعداد بیشتر هواپیما و جنگ افزار بدهیم ، شما نمیتوانید ، واحد های تازه ایرا آرایش بدهید ؟

تره کی : اینکار زمانی زیادی را در بر میگیرد ، اما هرات از دست میرود.

کاسیگین :

شما چه عملکردها یا اعلامیه هایی ایرا از ما توقع دارید ؟ دیدگاه های شما در باره این مساله در عرصه تبلیغات چگونه است ؟

تره کی : باید کمکهای تبلیغاتی و عملی را باهم توام ساخت . من پیشنهاد میکنم تا شما به روی تانک ها و هواپیماهای خود علایم افغانی بزنید . هیچ کسی چیزی نخواهد دانست. نیروها را باید از جانب تورغوندی و کابل به هرات سوق داد.

کاسیگین : تا کابل باید راه پیمود.

تره کی :

تورغندی خیلی به هرات نزدیک است ، اما میتوانید سربازان را با هواپیما به کابل بفرستید. هرگاه شما سربازان تان را به کابل بفرستید و آنها از کابل به هرات فرستاده شوند ، به عقیده ما هیچ کسی چیزی نخواهد دانست . همه فکر خواهند کرد که آنها سربازان دولتی افغانی اند.

کاسیگین :

هرگاه ما با هواپیما برای شما سریعاً " زره پوش ، خمپاره انداز و مهمات لازمی بفرستیم ، شما متخصصانی که بتوانند این سلاح هارا استعمال کنند ، پیدا خواهید توانست ؟

تره کی :

من به این سوال نمی توانم پاسخ دهم ، تنها مشاوران شوروی میتوانند پاسخ بدهند.

کاسیگین :

یعنی میتوان چنین دانست که افغانستان کادرهای مجرب نظامی یا ندارد یا بسیار کم دارد اما در اتحاد شوروی صد ها افسر افغانی دوره های آماده گیرا گذرانده اند. این همه افسر کجایند؟

تره کی : بیشترشان مسلمانان ارتجاعی اند، به آنها نمیتوانیم تکیه کنیم، به آنها اعتماد نداریم.

کاسیگین :

نفوس کابل حالا چند نفر است ؟

تره کی :

نزدیک به یک میلیون نفر.

کاسیگین :

هرگاه برای شما سریعاً " با هواپیما اسلحه بفرستیم شما نمی توانید پنجاه هزار سرباز دیگر گرد بیا ورید؟ چند نفر میتوانید جمع کنید؟

تره کی :

ما میتوانیم تعدادی را جمع کنیم. در قدم اول از میان جوانان ولی برای آنکه آنها را آموزش بدهیم ، زمان درازی لازم است.

کاسیگین :

شما نمیتوانید دانشجویان را جمع کنید؟

تره کی :

ما میتوانیم در باره دانشجویان و دانش آموزان کلاسهای یازدهم و دوازدهم صحبت کنیم .

کاسیگین :

از طبق کارگر نمی توانید جمع کنید؟

تره کی :

طبقه کارگر در افغانستان بسیار کوچک است.

کاسیگین :

کشاورزان فقیر چه؟

تره کی :

ما میتوانیم تنها بر دانش آموزان ، دانشگاهیان و تعداد کمی هم کارگران حساب کنیم. ولی آموزش آنان داستان درازی دارد ، اما هرگاه لازم باشد، ما به هر اقدامی دست خواهیم زد.

کاسیگین :

ما تصمیم گرفته ایم به گونه‌ء رایگان ، عاجل به شما جنگ افزار بفرستیم و هواپیماها و هلی کوپتر های شمارا باز سازی کنیم. همچنان تصمیم گرفته شده است تا به شما صد هزار تن گندم تحویل داده شود و بهای گاز صادراتی شما را از 21 دلار در برابر هر هزار متر مکعب به 37،82 دلار بالا ببریم.

تره کی : خیلی خوب ، اما باید در باره هرات صحبت کنیم.

کاسیگین : بیایید شما نمیتوانید حالا چند لشکر از میان پیشگامانی که شما میتوانید به آنان اعتماد کنید ، نه تنها در کابل ، بلکه در دیگر جا ها هم تشکیل دهید. اسلحه لازم را ما برای شما می دهیم.

تره کی :

ما کادرهای افسری نداریم . پاکستان هم افراد و افسران خود را به لباس افغانی می فرستند.

چرا اتحاد شوروی نمیتواند ازبیکها، تاجیکها و ترکمن هارا به لباس غیر نظامی بفرستد ؟ زیرا کلیه اقوام در افغانستان شناخته شده هستند. اگر جامه ء افغانی بپوشند و نشانه های افغانی به آنان زده شود ، هیچ کس نخواهد دانست . به نظر ما اینکار بسیار آسان است. نظر به تجربه پاکستان دیده شده که این کار بسیار آسان است.

کاسیگین :

... البته شما مساله را دست کم میگیرید. این یک مساله بسیار پیچیده سیاسی و بین المللی است. ما بار دیگر راجع به آن مشورت میکنیم و به شما پاسخ می دهیم. من فکر میکنم که بر شما لازم خواهد بود که واحد های تازه تشکیل دهید. زیرا تنها به نیروی اشخاصیکه از بیرون می آیند ، نه میتوان تکیه کرد. شما با توجه به تجربه انقلاب ایران می بینیدکه چگونه توده ها توانستند امریکایی ها و آنانی را که تلاش

می ورزیدند خود را نگهبانان ایران بنمایانند ، از انجا بیرون بیاندازند. به هر حال به شما چنین قرار میگذاریم. مشورت میکنیم

و به شما پاسخ می‌دهیم. و شما در کشور خود با نظامیان خود و مشاوران ما مشورت کنید. در افغانستان نیروهایی هستند که شما را با به مخاطره انداختن زنده گی خود ، حمایت میکنند و به خاطر شما مبارزه میکنند. این نیروها را باید همین حالا مسلح ساخت.

تره کی : زره پوشها را با هواپیما بفرستید.

کاسیگین :

شما برای راندن این ماشینها پرسنل دارید ؟

تره کی : برای 30 – 35 ماشین راننده داریم.

کاسیگین :

آنها افراد مطمئن هستند؟ همراه با ماشین بسوی مخالفان نخواهند رفت ؟ رانندگان ما زبان شما را نمی دانند.

تره کی :

شما ماشینها را با رانندگانی که زبان میدانند ، بفرستید. تاجیکها و ازبیکها همزبان ما هستند.

کاسیگین :

من چنین پاسخی را از شما انتظار داشتم. ما رفقای شما هستیم و مبارزه مشترکی را به پیش میبریم. از اینرو نباید از یک دیگر دور شویم. ما به شما باز هم تیلیفون خواهیم زد و دیدگاه های خود را به شما خواهیم گفت.

تره کی :

درودها و آرزوهای نیک ما را به رفیق بریژنیف . اعضای دفتر سیاسی برسانید.

کاسیگین :

متشکرم. به تمامی رفقای تان درود برسانید. برای شما قاطعیت در حل مسایل، اعتماد به نفس و بهروزی آرزو میکنم. به امید دیدار. "

خوانندگان عزیز و ارجمند !

این هنوز گوشه ای از گزارش مستند از اسناد سری و محرّم شوروی بخاطر زمینه سازی برای آمدن شوروی است. تره کی که در رادیو و تلویزیون های کابل و افغانستان میگفت :

" با زور پرولتاریای شمشیر بدست انقلاب کرده است " " دو مرحله تاریخی را پشت سر گذاشته است " " انقلاب ثور بعد از انقلاب اکتوبر دومین و بزرگترین انقلاب دنیا است " و هوادانش اورا " نابغه شرق " " جسم و روح حزب " میدانستند و تا چنان هنوز میدانند .

از همین تره کی خواندیم که نه اعتماد به کارگر داشت، از نام دهقان طفره میرفت ، حتی اعتماد به افسران تحصیل کرده در شوروی نداشت و از رهبران شوروی خواهش و تمنا مینمود که برایش اسلحه، نفر و سپاهی روان کنند تا شورش بیست هزار نفری را در هرات و... سرکوب نمایند.

زهی به این نابغه شرق !

فیصله های کمیته مرکزی شوروی راهم خواندیم . خروج قوای شوروی تجاوزگر و علل خروج آن تاجایی برملا گردود سیاست مداران افغانستان بدانندکه :

هر که نیاموخت از روزگار

نیاموزد از هیچ آموزگار

یار زنده و صحبت باقی

در پایان توجه شما را به متن سخنرانی دکتر نجیب الله بعد از خروج ارتش چهل شوروی انوقته از فغان ستان نیز معطوف میدارم تا با

ارایه اسناد بتوانیم - گذشته ها را درست تر ارزیابی و باز نگری
نماییم . اسناد نوشتاری و دیداری و شنیداری زیادی را همه ما
در اختیار داریم و امید وارم بتوانیم بازنگری را گسترش دهیم

بیانیه رئیس جمهور پیشین دکتور نجیب الله
در ختم عودت قطعات نظامی اتحاد شوروی از افغانستان.

هموطنان عزیز!

امروز

روز شاهد اقدامات و رویدای هایی هستید که میتوان انرا محصول و دستاورد مستقیم سیاست مصالحه ملی نامید . یکی ازین رویداد های تاریخی ختم عودت قطعات اتحاد شوروی از افغانستان می باشد که در نتیجه مساعی دوا مدار و همه جانبه دولت ج.ا. مطابق به روحیه موافقتنامه های ژنیو تحقق پذیرفت . اکنون یک سرباز شوروی هم در افغانستان وجود ندارد . تمام افغانان درین روز ها خاطرات پر از فراز و نشیب حوادث و جریا ناتیرا که طی ده سال اخیر در کشور ما به وقوع پیوسته است ، بخاطر میاورند . همه ما راه طولانی و پر مشقتی را پیموده ایم . عبور از این جاده دشوار زندگی، برای مردم ما خیلی ها گران تمام شد . قیمت های گزاف به آن پرداخته اند . خرمن ها به آتش کشیده شد ، باغ ها و مزارع پایمال گردید ، جوی ها ، کاریز ها و چاه ها تخریب گردید . وسایل معیشت و زندگی صلح امیز از دستان انسانهای زحمتکش این سر زمین ربوده شد . سرک ها ، پل ها ، لاین های تیلیفون و برق که در واقع رشته های حیات اقتصاد کشور ما اند ، ویران و از کار افتاده اند . مدارس ، مکاتب ، فابریکه ها ، مراکز صحتی ، تاسیسات عامه و ملکیت های مردم ما در آتش خشم و انتقام جویی سوختند . حرمت برادری ، صفا و صمیمیت ، همدردی و مهمان نوازی و عنعنه جوانمردی افغانی ، حقوق هموطنی و اخوت اسلامی که در تار و پود روح و روان مردم ما ریشه دوانیده است ، در اثر کشتار های ظالمانه و ایجاد دشمنی و خصومت های قومی ، سازمانی و سمتی آسیب برداشت و جای خود را به کینه توزی و انتقام کشی و تلافی جویی داد . اثرات زخم های گدازنده این جنگ تباہ کن در بدن کودکان ، مردان و زنان ، کهن سالان و جوانان وطن ما نقش بسته است .

ده ها هزار انسان مستعد بکار کشور ما اعضای بدن خود را از دست دادند . معلول شدند و از سهمگیری کامل در پیشبرد زندگی شخصی و در امر احیای مجدد وطن ویران شده شان محروم گردیدند . میلیونها نفر از هموطنان ما یا در دیار غربت حیات پر مشقت هجران وطن را در کمپ ها سپری میکنند یا دور از مسکن اصلی خود در گوشه های مختلف کشور اواره و خانه به دوش شدند . بدون شک همه ما بارها اندیشیده و از خود پرسیده ایم که چگونه از این مصیبت و بلای جنگ برادر کشی رهایی یابیم ؟ چگونه به افغانستان این خانه ویران شده خود صلح را برگردانیم ؟

جواب به این سوال در همه جا یک سان نبوده است . هر شخص ، هر گروه ، هر حزب ، هر سازمان و هر تنظیم به زعم خود به ان جواب داده است . یک تعداد میخواهند خون را با خون بشویند و تصفیة

حساب های گذشته را مطرح کرده و انرا راه حل و نمود کردند، عده ای انتقام جویی را پیشه نمودند، که بدون شک موجب طولانی شدن عذاب جنگ میگردد و غیره و غیره.

ده سال اخیر نشان داد که انتقام جویی بجا طری تصفیۀ حساب های گذشته، حساب های نو و بزرگتری را ایجاد کرد و بزرگ تخریبهای کو چک انتقام، خوشه ها و خرمن های بزرگ نفرت و دشمنی را ببار آورد. نتیجه ادامه این وضع کشور ما این خانه افغانها هسته، هسته به یک ماتمسرای بزرگ تبدیل شد و نیروی بزرگ هموطنان ما که بایست در خدمت رفاه خود شان، خانواده ها و در مجموع خانواده بزرگ افغانها قرار میگرفت، به یک نیروی ویرانگر و بی هدف مبدل گردید.

ایا شریعت اسلام، منافع ملی افغانستان و عواطف بشری اجازه میدهد که چنین وضع دلخراش و تکان دهنده باز هم ادامه یابد؟ ایا در صورت ادامه چنین وضع نهاد هایی که هویت افغانی و وحدت ملی ما بالای آنها استوار است، از هم نمپیا شد؟

در موجودیت چنین وضع سیاست مصالحه ملی بمثابه یگانه در چپۀ رهگشابه سوی قطع جنگ و برادر کشی و یک آینده مصئون و صلح امیز برای نسل موجود و آینده کشور انتخاب و اعلام گردید.

دولت ج.ا. با تمام صداقت و واقعبینی هنگام تدوین خطوط اساسی سیاست مصالحه ملی، بطوری مسولانه به این امر اندیشیده است تا تمام مواردی را که مخالفین انرا اساس و یا بها نه و وسیله جنگ و مبارزه خود قرار داده اند، در نظر داشته و آنچه را مانع تفاهم بین مخالفین و دولت ج.ا. میگردد، برطرف سازد.

خوشبختانه دولت ج.ا. و ح. د. خ. ا. شهادت آنرا داشت و دارد که به اشتباهات و نارسایی های خود پیوسته متوجه گردد.

ما نه تنها اشتباهات خود را پنهان نکردیم، بلکه به اصلاح ان پرداختیم. در آینده از تعقیب سیاست های افراطی که مغایر منافع ملی افغانها و ارزش های جا معۀ افغانی باشد، جداً احتراز مینمایم.

لیکن همین حالا طرف هایی وجود دارد که نه تنها به اضافه روی ها و اشتباهات خود اعتراف نمیکند بلکه خیره سرانه و به افراطی ترین شیوه ها، در راه کشتار مسلمانان و پاشیدن تخم نفاق در میان ایشان اصرار و تلاش میورزند. **بیاید بطور مختصر بر اقدامات دولت ج.ا. بعد از اعلان مشی مصالحه ملی نظری بیانداریم.**

ما این اقدامات را انجام دادیم.

- **اتش بس یک جا نه اعلام کردیم.**
- **هزاران زندانی منسوب به نیروهای مخالف را آزاد ساختیم.**
- **فرامین استرداد ملکیت های منقول و غیر منقول عودت کنندگان را صادر نمودیم.**
- **قانون اساسی را که در برگیرنده تامين منافع تمام اتباع جمهوری افغانستان میباشد تصویب کردیم.**

- **قانون جدید مناسبات ارضی و آب را تنفیذ نمودیم.**

- **انتخابات برای شورای ملی را انجام دادیم.**

- **حکومت اینتلافی با ترکیبی متنوع سیاسی را بوجود آوردیم.**

- **قانون احزاب را به هدف تا مین پلورا لیزم سیاسی و اتلاف تصویب کردیم.**

- **موا فقتنامه های ژنیو را امضا کردیم و در اثر آن زمینه عودت کامل قطعات اتحاد شوروی رامهیا ساختیم و غیره و غیره...**

هموطنان رنج دیده و بلا کشیده!

قضایوت را به شما می‌گذاریم، که ما چه راه‌ها و کوره‌راه‌ها را طی نکردیم تا مخالفین را برای مذاکره و تفاهم بخود نزدیک سازیم، چه اقدامی ممکن بود که بخاطر آشتی و رسیدن به هدف والای صلح با تنظیم‌ها و مخالفان گوناگون انجام ندادیم. مثل آفتاب روشن است که ما در چوکات مصالحه ملی چه کردیم و آنها چگونه پاسخ دادند. اکنون بر اقدامات مخالفین در برابر سیاست مصالحه ملی روشنی می‌اندازیم.

- افراطیون نه تنها آتش بس را رعایت نکردند، بلکه با لای جزواتمهای قوای مسلح کشور حمله نموده، منطق مسکونی را به آتش راکت بستند. حتی گروپهای مسلح خودشان راکه آتش بس را رعایت میکردند، تحت ضربات قرار دادند.

در دو سال مصالحه ملی در سراسر کشور جمعاً بیش از (300 هزار) راکت و مرمی های سلاح ثقیل آتش گر دیده و موجب شهادت بیش از (11 هزار) هموطن غیر نظامی بشمول اطفال، زنان، جوانان و پیر مردان گردیده است.

- گروه های افراطی مسلح، مذاکرات را رد نمودند و اعضای جرگه های مذاکره را بر خلاف موازین بین المللی و ملی و بر خلاف عنعنه اسلامی و افغانی به قتل رسانیدند.
- افراطیون نه تنها در انتخابات پارلمان اشتراک نکردند، بلکه در مناطق تحت نفوذ خود مانع اجرای انتخابات گردیده و حتی بعضی نمایندگان منتخب مناطق را که افراطیون مدعی تصرف و کنترل آن میباشند به شهادت رسانیدند.

- دولت ج. ا. بمنظوری کاهش رویارویی نظامی و تشویق مهاجرین برای بازگشت به کشور، مناطق غیر نظامی را در نوار مرزی با پاکستان ایجاد کرد و قوای مسلح خود را از آن مناطق فراخواند ولی افراطیون مناطق مذکور را مسلحانه اشغال نمودند، تاسیسات عامه را تخریب و به آتش کشیدند، دارایی های مردم را غارت کردند و ده ها انسان بی دفاع را به قتل رسانیدند و این اعمال ضد مردمی خود را پیروزی نامیدند.

آنها در این مناطق بر سر تقسیم اموال غارت شده بجان هم افتادند و به صف آراییی های مسلحانه علیه یکدیگر پرداختند.

- ما ایجاد حکومت ایتلافی با پایه های وسیع به اشتراک همه نیروها، احزاب و تنظیم های افغانی را پیشنهاد نمودیم ولی آنها نه تنها این پیشنهاد را غیر مسئولانه رد کردند، بلکه عدم صلاحیت و ناتوانی کامل خویش را ایجاد یک اداره مشترک خودشان در آن مناطق که بنا بر عوام مختلف تحت کنترل آنها قرار گرفته اند، نیز به روشنی ثابت ساختند. آنها درکنرها، بخاطر تامین تسلط گروهی شان مسلحانه بجان همدیگر افتادند و خاطرات عبرت انگیزی از ویرانی و بربادی بیادگار گذاشتند.

اگر مخالفین به پشتیبانی مردم از خود مطمئن اند، چرا این قدر به جنگ علاقه نشان میدهند، آنها باید تلاش کنند تا صلح تامین شود و مردم با ابراز نظر و اراده خود برای شان رای بدهند.

- ما برای تامین مواد غذایی، تامین تجارت و داد و ستد و سایر مایحتاج عامه، انتقالات را سازمان می‌دهم، ولی آنها وسایط حامل مواد ارتزاقی، اموال تجارتي تاجران و سایر مایحتاج را که در این سرمای طاقت فرسا زنان، کودکان، یتیمان، بیوه زنان و هزاران باشندۀ شهر انتظار آنرا می‌کشند و از کمبود آن رنج می‌برند، غارت و حریق می‌کنند و یا در مغاره‌ها و مخفیگاه‌ها ذخیره می‌کنند و طور قاچاق به پاکستان انتقال داده و بفروش میرسانند. آنها حتی بوسیلهٔ محتکرین به احتکار مواد در داخل شهرها اقدام کردند. آنان میخواهند مثنی از خروار، این مواد غارت شده را ریاکارانه به عنوان کمک به مردم در ینجا و انجا عرضه کنند.

چه دل‌آور است دزدی که به کف چراغ دارد

باتذکر نمونه‌های فوق واضح میشود که مسوولیت اصلی تخریبات را در کشور کی‌ها به عهده دارند، طبعاً آنانیکه خواهان ادامه جنگ اند.

میتوان ده‌ها و حتی صد‌ها مثال دیگری از اعمال خرابکارانه، تروریستی و ضد انسانی افراطیون را بر شمرد، لیکن این شمارش هیچ دردی را دوا نمیکند بهمین مثال‌ها اکتفا می‌ورزیم.

بباید از کسانی که فریاد می‌زدند و ورود قطعات قوای محدود شوروی باعث جنگ و مداخله شده است، بپرسیم که چرا با عودت این قوا مداخله در امور کشور ما و جنگ برادر کشی بجای اینکه کاهش می‌یافت، تشدید گردیده است؟

ما قطعات اتحاد شوروی را از کشور عودت دادیم و بحیث افغانان شجاع مانند پدران خود روی پای خود ایستاده ایم و مستقلانه از وطن و خانه خود دفاع می‌کنیم!

بباید به مخالفین بنگریم که آنان در چه وضعی قرار دارند. آنها در پاکستان قرار دارند و علیه مردم بیچاره و فقیر افغانستان و علیه وطن خود همه روزه سلاح‌های مرگبار را ارسال نموده و برای خانواده‌های مسلمان کشور ما مرگ و آتش و غم و اندوه بوجود می‌آورند. شما قضاوت کنید که کی‌ها از وطن دفاع میکنند؟

افراطیون در ابتداء مذاکره را اصولاً رد می‌کردند و حاضر به هیچ نوع مذاکره با هیچ یک از طرف نبودند، بعداً آنها حاضر شدند که با جانب اتحاد شوروی به مذاکره بپردازند و آنرا یک پیروزی سیاسی تلقی کردند. بعد از آغاز مذاکرات آنها ادعا نمودند که هدف از این مذاکرات تفرقه اندازی در میان تنظیم‌ها میباشد و آنرا تحریم کردند. اندکی بعد نصفی از تنظیم‌های مخالفین بطرف داری از ادامه مذاکرات موضع گرفتند.

چنین موضعگیری‌ها به ذات خود نمایانگر عدم موجودیت یک موضع واحد و پروگرام مشخص مخالفین است. واضح است که امتناع از مذاکره با جمهوری افغانستان و اتحاد شوروی صریحاً به معنی رد حل سیاسی مسایل افغانستان و انتخاب دوام جنگ است.

هموطنان عزیز!

شما در روزهای اخیر مشاهده نمودید که عودت قوت‌های باقیمانده شوروی آغاز گردید. منطق

سیاسی و واقعیت های زندگی حکم می کند که مخالفین اصولاً باید فعالیت های محاروبی خود را قطع میکردند ، زیرا آنها در طول ده سال اخیر بر اساس حضور نیرو های مسلح اتحاد شوروی در افغانستان فعالیت مسلحانه خود را توجیه میکردند، هر شرط و پیشنهادی را از جانب دولت بخاطر قطع جنگ و تامین صلح بر همین اساس رد میکردند .

ما میپرسیم چرا این مخالفان در طول ماه های اخیر که قوای مسلح اتحاد شوروی بعودت از کشور ما آغاز کردند، جنگ را تشدید نمودند و به قطع شاهراه ها، محاصره اقتصادی شهر ها، جنگ روانی، سبوتاژ، شایعه پراگنی ، تروریزم، انفجارات و به انواع مختلف فعالیت های ضد امنیت داخلی و خارجی کشور پر داخند ؟

حالا کاملاً روشن گردید که علت جنگ و مخالفت با ج. ا. از جانب مخالفان موجودیت قوای شوروی نبوده بلکه وجود این قوا صرف یک بهانه بود که افراطیون برای فعالیت های تخریبی خود از آن استفاده میکردند. واقعیت اینست که رهبران تنظیم های افراطی که در دست بیگانگان قرار دارند، میخواهند بحیث یک وسیله برای پیشبرد سیاست های نظامیگران پاکستان و حا میان بین المللی شان خدمت نمایند. در همین روز ها همه مردم ما و جهانیان اطلاع حاصل نمودند که رئیس جمهور پاکستان بصراحت علان داشت که افغان ها باید نقش پاکستان را در آینده افغانستان بپذیرد و قدر شناسی خود را ثابت نمایند.

واضح است که این سخنان در معامله با رهبران احزاب افراطی، از طرف یک مقام با صلاحیت پاکستان ارایه میگردد. موارد دیگری نیز وجود دارد که نمایانگر نیت شوم محافل نظامی و حلقات ارتجاعی پاکستان نسبت به وطن ماست آنها خلاف معمول در زمانیکه قطعات محدود اتحاد شوروی از کشور ما عودت کردند، قوت های نظامی خود را به استقامت ننگرها و قندهار تقرب میدهند در حالیکه در زمان موجودیت قوای نظامی شوروی که پاکستان آنرا خطر بزرگی برای خود وانمود میکرد قوت های پاکستانی در سرحدات ما دیده نمی شد.

باید برای هر وطندار افغان روشن باشد که بعد از امضای موافقتنامه های ژنیو موضعگیری نظامیگران پاکستان نسبت به حل اوضاع افغانستان شدید گردیده و ابعاد مداخلة مستقیم و غیر مستقیم در امور کشور ما وسیعتر شده است. بدین سبب اوضاع نظامی - سیاسی در کشور در نتیجه مداخله از خارج طوریست که نباید به دشمنان وطن مجال داده شود حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال، صلح و آرامش مردم ما بیش ازین در معرض خطر قرار بگیرد.

منافع دفاع از کشور حکم میکند تا بخاطر حفظ دستاورد های سیاست مصالحه ملی و تامین نظم در جا معه مطابق ماده 143 قانون اساسی ج. ا. حالت اضطرار اعلان گردد. بدون شک ضرورت و موجبات اتخاذ این اقدام و اعلان حالت اضطرار برای تمام هموطنان صلح دوست ما واضح و آشکار است. چه باید کرد؟

آیا گذاشتن که افراطیون تحت حمایت پاکستان شاهراه ها را مسدود نمایند و با محاصره شهر ها زندگی مردم، و شرافتمند ما را به خطر مواجه سازند؟

آیا اجازه داده شود که افراطیون در شهر ها به دهشت افگنی و بی نظمی دست زده و سایر شهر ها و محلات را بخاک و خون بکشند؟

آیا اجازه داده شود که با جا بجا شدن قوای نظامی پاکستان در مجاورت کشور ما عملاً استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور به خطر جدی مواجه گردد؟

مشوره وطن دوستان واقعی ای که حاضر نیستند تا اطفال و کودکان معصوم وطن ما از فقدان مهر مادر رنج بکشند، هموطنان شان در کشور های بیگانه در به در و آواره باشند، وطن دوستان واقعی ای که میخواهند عزت و شرف مردم و نوامیس ملی افغانها حفظ گردد و از افغانستان مستقل، دارای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود قاطعانه دفاع نمایند، این مشوره را میدهند که باید تمام امکانات را بخاطر تأمین مصالحه ملی وقف کرد. ازینرو ما تمام تدابیر را در چوکات قانون اساسی کشور در مطابقت با احکام آن اتخاذ کردیم.

اعلان حالت اضطرار بمعنای عقب نشینی از سیاست مصالحه نمی باشد. بر عکس به بمعنای تحکیم این سیاست و ایجاد زمینه های مناسب بخاطر تطبیق آن میباشد. ما نمی خواستیم که حالت اضطراری را اعلان کنیم، لیکن افراطیون به کمک حامیان شان با مداخلات صریح سیاسی و نظامی در امور افغانستان خلاف اصول قبول شده بین المللی توافقات ژنیو- نیات خصومت بار خود را در مورد افغانستان نشان دادند. ما بخاطر رعایت تطبیق سیاست مصالحه ملی، جلوگیری از تخریب و بخاطر دادن اطمینان بیشتر به طرفداران صلح و وحدت ملی و دفع و طرد اقدامات ضد منافع ملی مردم افغانستان به حالت اضطرار گذار کردیم. ما به مصالحه ملی و دموکراسی معتقد استیم ولی هیچ کس نباید شک داشته باشد که بخاطر تحقق هر چه وسیعتر مصالحه باید بخون ریزی در کشور به مداخله و تجاوز از خارج خاتمه داده شود. برای رسیدن به چنان مدارج عالی زندگی ملی، لازمست در پهلوی دموکراسی دسپلین عالی ملی را که بتواند جوابگوی سلامت و امنیت کشور باشد، تمرین نمود. از تمام هموطنان شرافتمند تقاضا مینمائیم تا با وقف و فداکاری، در همبستگی و اتحاد، دولت مردمی خویش تأمین نمائیم و از حالت اضطراری به وضع عادی بر گر دیم. یقین کامل دارم که هموطنان ما به تجارب زندگی و واقعیت های عینی جامعه و انکشاف اوضاع نظامی - سیاسی در کشور به ضرورت اعلان این حالت عمیقاً پی برده باشند.

هموطنان عزیز!

کشور ما در وضعی قرار دارد که تمام افغانها درین مرحله حساس و تاریخی کشور بخاطر دفاع از وطن، تا مین صلح و قطع جنگ از هیچ نوع همکاری و فداکاری دریغ نورزند و اجازه ندهند که وطن عزیز ما بیش ازین در معرض خطر ویرانی و خانه جنگی قرار بگیرد.

علما و مشایخ کرام!

اکنون که قطعات نظامی اتحاد شوروی به کشور خود عودت کردند و هیچ دلیل برای ادامه جنگ و خون ریزی وجود ندارد. ما تمام مساعی و امکانات را در راه استقرار صلح و آرامش بکار میبریم.

مگر علی الوصف تمام تلاش ما در راه صلح، نظامیان پاکستان قوای جنگی خود را غرض تجاوز به سرحدات کشور ما تقرب داده اند و مخالفین را به تشدید جنگ و برادر کشی تشجیع مینمایند، تا با پر تاب راکت ها و حملات پیهم کودکان، ریش سفیدان مومن و زنان مسلمان را بیرحمانه به قتل برسانند. آیا چنین کشتار بی رحمانه مسلمانان افغان توسط مخالفین و نظا میگران پاکستان با اساسات شریعت غرای محمدی، با عنعنات پسندیده افغانی و باروح بزرگ آئین یکتا پرستی اسلام مطابقت دارد؟
هرگز نه!

بنام دولت جمهوری افغانستان و مردم این سرزمین، حق و وجیبه دارند تا با طرد و دفع تجاوز، از ناموس وطن، حفظ جان و مال هموطنان دفاع مشروع نمایند.

خداوند فرموده است: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ»

اگر کسی بر شما تجاوز کند، با او انگونه که بر شما تجاوز کرده است، به پاسخ بامثل پیر دازید.

آرزومندیم علما و مشایخ کشور ما که ورثه انبیاء علیهم السلام و پیشوایان دینی جامعه ما هستند بفحوای

«كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» به رهنمایی گروههای مسلح بپردازند و به آنان اندرز دهند که قطاع الطریقی و دسبرد بخون و مال بیت المال عصیان عظیم است. تاریخ کشور ما مشحون از فداکاری پیشوایان و بزرگان دینی بوده و دولت ما جداً آرزومند است تا مقام و حیثیت آنانرا حمایت کند و ایشانرا بحیث بندگان مخلص خدا به وجایب بزرگ دینی شان فرا خواند.

اگر بینی که نا بینا و چاه است.....اگر خاموش بنشیننی گناه است

ما میخواهیم تا علمای دینی کشور ما که پیوسته جانب حقیقت را گرفته اند. برسم اسلاف خویش چون ملامشک عالم، ملانجم دین، ملافیض محمد و سایر مدافعان دین و وطن بخاطر حفظ استقلال و سر زمین عزیز و تأمین صلح در آن، در پیشاپیش جهاد مقدس ملی قرار گیرند.

منسوبان دلیر قوای مسلح جمهوری افغانستان!

شما در طی ده سال اخیر ممثل مردانگی افغانی اجداد و نیاکان غیرتمند ما در دفاع از وطن و مردم بوده اید. در هر کجای وطن که قرار دارید، در سنگر ها و بارک های نظامی، در پوسته ها و قله های سر به فلک کشیده افغانستان، در دامنه های کوه های بلند هندوکش که مهد وطن پرستان و قهرمانان ملی ماست، از وطن، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی افغانستان، مستقلانه و با شور وطنپرستانه دفاع نمائید.

شما که در رگهای تان خون پدران با غیرت وطن جریان دارد، به مردم و جهانیان اثبات نمائید که فرزندان واقعی وطن بوده و میتوانید از وطن، استقلال کشور و صلح در سر زمین رنجیده ما مستقلانه و قاطعانه دفاع کنید. معركة استر داد اسقلال کشور را به یاد میاوریم، بهترین فرزندان وطن این میراث گران بها را با خون های پاک خود بدست آورده و برای ما به امانت گذاشته اند. شما در امر شریف دفاع از استقلال کشور، یاری خداوند ج و کمک بی دریغ افغانان با شهادت و وطن دوست را با خود دارید. تمام امکانات را بکار گرفته و جلو فعالیت های خطر ناک رهنان و قطاع الطریقان را بگیرید. مردم بی دفاع وطن از شما انتظار دارند تا مواد خوار بار را به آنها برسانید. آنها به قهرمانی های شما چشم امید بسته اند تا بعد از عودت کامل قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از صلح و امنیت وطن دفاع کنید. هیچ گاهی مردم وطن، کودکان، پیران، زنان و جوانان مدافعان واقعی وطن را فراموش نخواهند کرد.

خاطرات شما در حماسه های نسل های بعدی، در قصه های کودکان و در سرود ظفرمندی مردم افغانستان جاویدانه خواهد ماند. وطن، مردم و تاریخ نوین افغانستان نام های شما را با خطوط زرین می نویسند و با افتخار از آن یاد می کنند.

شخصیت های ملی، اجتماعی، علما و دانشمندان گرامی!

تاریخ گواهی میدهد که شخصیت های با اعتبار ملی، دانشمندان علوم و خادمان صدیق خلق الله نقش مؤثری را در حل پرابلمها و نزاع ها داشته اند. شما در نزد مردم از احترام و محبوبیت خاص برخوردارید. مردم بر کلام راستین و دعوت حق طلبانه شما باور دارند. تمام امکانات علمی و ذخایر معنوی خویشرا بخاطر قطع جنگ برادر کشی بکار اندازید. ماهیت جنگ را که بر پیکر هستی معنوی کشور ما اثرات نا گوار بجا گذاشته است با منطق بران و بسیج کننده خود تو ضیح دهید. شما می توانید شمشیر منطق خود را به مردم حق شناس خود بکار گمارید. آنهایی را که هنوز به نتایج خطر ناک فعالیت های تخریب کارانه خود پی نبرده اند، با استفاده از چراغ معرفت و نفوذ ملی و معنوی خویش به صلح و آشتی دعوت کنید.

سرمایه داران و تاجران ملی، متشبثین خصوصی!

دولت ج. ا. با رعایت قانون اساسی در جهت تقویه و انکشاف صنایع و تجارت تمام زمینه ها را برای شما مساعد ساخته و میسازد. ما در نظر داریم با جلب سرمایه های خارجی و انکشاف صنایع سبک و سریع الثمر، زمینه را برای کار و فعالیت پر ثمر شما مساعد سازیم. دولت حاضر است، شرکت های مختلط راحتی با سهم بالاتر تا جبران سرمایه گذاری خصوصی ایجاد نماید. دولت از تمام افغانان دعوت میکند تا به خاطر احیای اقتصاد ویران شده کشور سهم بگیرند. از مهاجرین هموطن خود در اروپا، امریکا و سایر کشور ها دعوت میکنیم تا درسکتور خصوصی اقتصاد خود و یا نمایندگان آنها سرمایه گذاری کنند. دولت ج. ا. عنقریب سیاست جدید اقتصادی خود را در عرصه سکتور خصوصی اعلان خواهد کرد. سیاست مذکور تمام راه های رشد و انکشاف تجارت و صنایع را برای تاجران و سرمایه داران ملی بازنگه کرده است.

اعضای جانباز ج. د. خ. ا.!

با صفوف متحد و فشرده بخاطر دفاع از وطن و مردم آماده شوید. شما که وارث بهترین سنن آزادیخواهی و وطندوستی استید، نگذارید تا دشمنان تاریخی مردم افغانستان در صفوف یکپارچه شما رخنه ایجاد کند. روح خدمت گذاری به مردم زحمتکش وطن را تقویه نموده با دفاع قاطع از تمامیت ارضی، استقلال و وطن دوست داشتنی ما برای مردم شریف افغانستان، خدمت نمائید. حزب شما که در طول 24 سال مبارزه جانبازانه علیه ارتجاع، استبداد، ظلم و بی عدالتی رزمیده است، شما را به دفاع قاطع و مسلحانه از منافع مردم و وطن، استقلال و تمامیت ارضی آن میطلبد. با پیوستن به صفوف قوای مسلح ج. ا. نیروی رزمندگی و اتوریته خانواده بزرگ حزبی خویش را ارتقا بخشید. شما که وارثان بالاستحقاق تمام جان نثاران و فدائیان نسل های گذشته وطن میباشید، در برابر آزمون بزرگ قرار گرفته اید. با دل گشاده، با قلب لبریز از عشق به میهن، با تحمل انقلابی و با مشت پولادین در برابر غاصبان آزادی، وطن فروشان و آدم کشان قطاع الطریق، به پا خیزید و در عمل خود به مردم و جهانیان قناعت دهید که شما خدمتگذاران متواضع مردم خود هستید و میتوانید از منافع علیای وطن و مردم خود دفاع کنید.

متحدین سیاسی، نیروهای ملی و وطنپرست کشور!

وطن ما در مرحله اساس تاریخ خود قرار دارد. شما بعد از اعلام مشی مصالحه ملی بخاطر تحقق آرمانهای ملی مردم افغانستان، کار های زیادی انجام دادید. مردم به دور نماهای روشن فعالیت های مشترک وطندوستان، امید بسته اند. موضع گیری های وطن پرستانه احزاب، سازمان ها و نیرو های اجتماعی و نقش هر یک تان درین مرحله دشوار و گذرای وطن، ثبت تاریخ افغانستان میگردد. مردم و نسل های آینده بر عملکردها و اقدامات مشترک و وطندوستانه سازمان های سیاسی کشور قضاوت خواهند کرد. اتحاد و همبستگی ملی افغان ها خار چشم دشمنان می گردد، می توان به افق های نوین توافق و برابری ملی دست یازید، از وطن و افتخارات مردم دفاع نمائید.

جوانان پر شور وطن!

کمر های بسته و شانه های مردانه شما استقلال و سر بلندی وطن محبوب ما افغانستان عزیز را تضمین میکند. شما وارثان پدران ما و امید نو نهان وطن هستید، ما شما را به اندیشه و عمل صالح دعوت می کنیم. با عشق سرشار به وطن، بخاطر خدمت به مردم و آبادی کشور محبوب ما مساعی بی دریغ و استعداد های شگوفان خود را به کار اندازید. آینده وطن، اعمار و شگوفانی کشور پر

غرور ما به دست ها و مغز های شما نیاز دارد. شما معماران آینده وطن، دانشمندان عرصه های مختلف، قهرمانان ملی، داکتران، انجیران، و سازندگان فردای وطن استید. برای آبادی کشور و مرهم گذاری درد های ناشی از جنگ برادر کشی آمادگی بگیرید. وطن به شما نیاز دارد. در چنین شرایط مردم به شما چشم امید می بندند. ما شما را به تفکر مسولانه در برابر وطن و مردم فرا میخوانیم. صفوف قوای مسلح ج. ا. این پاسدار کشور و مبارز راه صلح را با پیوستن خویش هر چه بیشتر تقویه نمایید.

قوماندانان گروههای مسلح مخالف!

تا حال بنابر حضور قوای شوروی مقاومت مسلحانه مینمودید، آنان به کشور خود عودت کردند. دوام جنگ و کشتار بعد ازین جز خرابی وطن نتیجه پی ندارد. ما با صداقت و جوانمردی دست خود را بسوی شما دراز کرده ایم. اگر شما دست برادری افغانی ما را با گرمی و صداقت فشار ندهید، مسولیت تمام تباهی و بربادی بدوش شما خواهد بود. ما از شما می طلبیم که راه خود را از آنانیکه جوانی، خون و نیروی شما را در پای دشمنان وطن نثار میکنند و دالر و جیفه دنیائی می اندوزند، جدا سازید.

مسولیت شما از همه کس بیشتر است. زیرا اسلحه بدست دارید. نگذارید دشمنان وطن از قهرمانی، شجاعت و غیرت شما به نفع خود در جهت ویران نمودن خانه خود شما بدستان خود شما استفاده نماید. نگذارید با ادامه جنگ فرزندان شما یتیم گر دد. شما که دارای قدرت کار و فعالیت هستید بجنگ خاتمه دهید. باغات، زمین ها و مزارع خود را کشت کنید. سرمایه های خود را به کار اندازید و مطابق به احکام دین اسلام روزی حلال بدست آورید. دولت حاضر است تا تمام امکانات و تسهیلات را در عرصه های تجارت، مالداری، زراعت، باغداری و ترانسپورت، برای شما آماده سازد.

دهقانان هموطن!

شما که با دستان توانای تان زمین پر فیض و پر برکت وطن را شخم میزنید و رزق حلال را برای خود و خلق الله تولید میکنید اکنون به زمین های تان نگاه کنید. جنگ لعنتی این زمین های سر سبز و شاداب رابه شدیدار های بی حاصل، پراز علف های هرزه و جنگلزار تبدیل کرده، کاریز ها و جویبارها را از بین برده است. آ بادی دوباره ملک خدا ج به دستان نیرو مند شما نیاز دارد. کار روی زمین برابر به عبادت خداج است. جنگ حرکت شیطان است، آنرا و جنگ طلبان را نفرین کنید و بر روی زمین خداج تخم نیکی بکارید.

کارگران زحمتکش وطن!

شما که با آگاهی عالی سیاسی چرخهای ماشین را بخاطر پیشرفت اقتصادی کشور فعال نگهداشته اید، ماهیت جنگ تحمیلی و تا ثیرات منفی آن را بر سطح کار خود بهتر از هر کس دیگر درک مینمائید. جنگ تحمیلی سطح تولیدات ما را صدمه زده و تا ثیرات منفی را به زندگی و اقتصاد خانواده گی شما وارد نموده است در چنین شرایط وطن از همه فرزندان خویش کار بیشتر و قر بانی می خواهد. از شما می طلبیم درین لحظات حساس تاریخ وطن، همه نیرو و تاجر به تانرا بخاطر تولید بهتر و بیشتر بکار اندازید از فابریکه ها، معادن و پروژه هائی که با دستان توانای شما ساخته شده اند، قاطعانه دفاع کنید.

پیشه وران وطن دوست!

جنگ تحمیلی از شما بازار فروش را گرفته و تهیه مواد خام را مشکل ساخته است. فقدان مواد خام و

بازار فروش روز تا روز زندگی را برای شما و خانواده های تان دشوار میسازد. دشمنان صلح، دشمنان سعادت شماسست. آنها راه های تجارتي را میبندند. در چنین شرایطی ما از شما دعوت مینمایم، در کنار سایر وطنپرستان با اتحاد بزرگ ملی علیه دشمنان خاک، دشمنان وطن و دشمنان سعادت خود و اطفال خویش قرار گیرید.

زنان و دختران با شهامت افغان!

جنگ بیشتر از همه برای مادران و اطفال شما مصیبت بار آورده و میآورد. ما درد بزرگ، اشک های گرم چادر های سیاه مادران و خواهران هموطن خود و رنگهای پریده اطفال یتیم وطن را احساس میکنیم. شما وارثین بر حق ملالی ها و زرغونه ها هستید. بخاطر ادای فریضه مادری و بخاطر حراست از مقام والای مادر همه مادران و خواهران ما وظیفه دارند به منظور تجدید خاطره های نسلهای مادران قهرمان پرور کشور، به دشمنان وطن که منکر استعداد و کرامت زنان استند، در دفاع از وطن، نقش شایسته خود را اداء نمایند.

ملیت های باهم برادر ساکن وطن واحد افغانستان!

پشتونها، تاجیکها، هزاره ها، ازبکها، ترکمنها، بلوچها، نورستانی ها، پشه یی ها و سایر ملیت ها و برادران هموطن، هم کیش و هم دین! بدون هر گونه تمایز ملی، مذهبی و لسانی در اتحاد و همبستگی برادرانه، اسلامی و افغانی بخاطر تحقق هدف مقدس تأمین صلح و آرامش در سر زمین آبایی تان بکوشید. به آنانی که در دست بیگانگان قرار دارند و با اعمال جنگ طلبانه خود به حقوق ملی شما صدمه میزنند و میخواهند نفاق و خصومت را در بین ملیت ها و برادران هم کیش و هم دین ما دامن بزنند و از آن برای تأمین منافع بیگانگان استفاده کنند، اجازه ندهید. با هو شیاری و بیداری، با احساس عالی وطنی، ملی و اسلامی فعالیت های ضد منافع ملی و دینی آنها را که آب به آسیاب دشمنان تاریخی وطن ما میریزند، خنثی سازید.

اگر از بلخ، اگر از کندهاریم همه پرورده یک کو هساریم

درین دریای نا پیدا کرانه بیک کشتی توفانی سواریم

مهاجرین دور از میهن!

با وجدان زنده به سر نوشت تلخ و آوارگی شما فکر میکنیم. قلب ما برای شما گریه میکند. اگر تا دیروز در اطراف شما سیم های خار دار کشیده بودند و به بهانه مو جو دیت قوای شوروی مانع عودت شما میشدند و ازین طریق بحساب شما، از نام شما ولی در غیاب شما پول می اندوختند و سامان کشتار و غارت بدست میآوردند اکنون این بهانه ها رفع گردیده است. دیگر به این ذلت تن در ندهید. ما با شما هستیم. شما یک ملت زنده و یک وطن سر بلند را در پشت سر خود دارید. بسوی برادری و اخوت افغانی بر گردید.

آیا برای شما که دارای غیرت افغانی بوده و وطن دوستی افغان ها در جهان افسانه های دارد طاقت فرسا نیست که بیش ازین در کمپ های مهاجرین سکونت داشته باشید؟ در آنجا گرسنگی، قحطی، بی دوائی، بی نانی و مهمتر از همه دوری از وطن، فرزندان دلبنده شمارا از کانون گرم و آغوش خانواده های تان جدا میسازد. دشمن آرزو دارد آنان را از مواریت پدران و نیاکان شان بیگانه سازند و نطفه وطن پرستی و مردانگی را در ایشان بکشند. خیمه ها و کمپ ها را ترک کنید. با ذلت،

بیچارگی و دوری از وطن وداع بگو یید. وطن در انتظار شماست. به وطن بیائید و زمین های دست نخورده تانرا شخم بزنیده کشت و زراعت کنید و به کوهستانها و دره های زیبای وطن خود تان گردش نمایند.

به وطن بیائید و بجای هوای آلوده، خشک و پر مرض دشت های آواره گی از آب و هوای گوارای وطن عزیز خود استفاده نمائید.

افغان ها هیچگاهی در سایه و پناه دیگران نبوده و بالای نمد دیگران نه نشسته اند، خاک وطن را از قلعه های مرمرین دیگران ترجیح دهید. هموطنان دور از میهن! ما در انتظار شما هستیم.

برادران شجاع قبایل سرحدی و کوچیان کشور!

شما تاریخ پر افتخار دارید. مبارزه علیه تجاوز به عنعنۀ شما مبدل شده است. دشمن سر زمین نیاکان و پدران شما، کوهها جنگلات و چراگاه های شما را تهدید میکنند. ما شما را به اشتراک در سر نوشت مشترک مبارزه بخاطر صلح و دفاع از منافع همگانی مردم افغانستان دعوت میکنیم. ما باور داریم که شما در دفع و طرد تجاوز دشمن، وطن خواهان را همراهی می کنید!

برادران پشتون و بلوچ!

شما با علایق تاریخی، برادری و هم خونی ایکه با افغانها دارید، نیروهای افراطی و حامیان آنها را اجازه ندهید که از مناطق شما علیه برادران افغان تان مداخله و تجاوز صورت بگیرد. دشمنان مشترک شما و افغانستان تلاش می نمایند تا منطقه ما را تحت سیطرۀ خود در آورده و پلان های شوم تجزیه طلبانه را علیه خلقها و مردمان منطقه تحقق بخشند. به عودت کنندگان کمک و یاری رسانیده و آنها را از مناطق خویش عبور دهید. ما چشم انتظار داریم که سکوت قبایل پشتون و بلوچ در برابر مداخله گران اجنبی که در وجود نظامیان پاکستان تبارز کرده است، پایان برسد. نوار قبایلی در برابر مهاجمین غارت گر یکبار دیگر باید همبستگی تاریخی خود را بجهان نشان بدهد.

مردم با شهامت افغانستان!

وطن و مردم ما در برابر آزمایش بزرگ قرار دارند به استعانت خداوند بزرگ وبا اتکا به اراده خلل ناپذیر مردم، همه دشواری ها و مصایب بر طرف خواهد گر دید.

درمدت دوام حالت اضطرار تمام ارگانهای دولتی وظیفه خواهند داشت تا قانونیت را تحکیم بخشیده و نظم و دسپلین را متناسب با ایجابات مرحله کنونی تأمین نمایند.

رعایت احکام قانون حالت اضطرار و قانون شورای عالی دفاع وطن، قوانین نافذه و بخصوص احکام قانون اساسی وظیفۀ تمام مردم شریف کشور میباشد در انجام این وظیفۀ ملی و تاریخی هر افغان و وطن دوست میتواند سهم شایسته خود را در دفاع از صلح و تأمین آرامش در کشور ادا نماید.

وظنداران ارجمند!

حزب دمو کراتیک خلق افغانستان، متحدین سیاسی آن و دولت جمهوری افغانستان کماکان در موضع دفاع از مشی مصالحه ملی، انجام دیالوگ و تفاهم با نیرو های مخالف قرار دارد. ما حاضریم همزمان با اجرای وظایف خویش در دفاع مسلحانه از وطن و مردم با هر شخص، هر گروه و هر تنظیم چه در

داخل و چه در خارج کشور به مذاکره بنشینیم و بر مبنای حب وطن، اراده مردم و ضرورت عاجل تأمین صلح در کشور راه تفاهم و همکاری را در یابیم. میدانیم افراد با عقل سلیم ما را به خوبی درک می نمایند: که ما حتی در دشوارترین شرایط و در موقفیکه قوای مسلح نیرومند و آزادی بخش را در اختیار داریم، تحقق مصلحت ملی را بمتابۀ یگانه الترناتیف واقعی تأمین صلح و آرامش در سرزمین افغان ها بحیث وظیفۀ میرم از یاد نمی بریم.

بگذار مخالفین ما بدانند که ما سیاست مصلحت ملی را بخاطر تحقق آرمانهای مردم و قطع جنگ در پیش گرفت ایم. ولی اگر دشمنان صلح و آرامش کشور ما، این سیاست را ضعف ما تلقی کرده و از نرمش ما سوء استفاده نمایند، در آنصورت چرا باید به آنها اجازه داده شود تا وطن ما را باز هم بیشتر به ویرانه مبدل سازند. بیش ازین نمیتوان در برابر دزدان و قطاع الطریقان و جنگ افروزانیکه خواب آرام شب های مردم ما را با صدای انفجارات و پرتاب راکت ها بر هم می زنند و نان اطفال شانرا از سفره شان میربایند، گذشت کرد.

ما با آنها نیکه صلح را نمی پذیرند و به خونریزی و جنگ ادامه میدهند با زبان دیگر صحبت خواهیم کرد. آغوش خود را بروی کسانی که به صدای صلح جویانه مردم پاسخ مثبت میدهند باز نگه میداریم.

اکنون که قوای شوروی در افغانستان وجود ندارد و دولت ج. ا. تعهدات خود را تحت موافقتنامه های ژنیو کاملاً ایفا نموده، آرزومند است تا جانب مقابل یعنی پاکستان در برابر این سند معتبر بین المللی، برخورد مسوولانه و واقعبینانه نماید و تعهدات خود را طبق موافقتنامه های ژنیو، صادقانه رعایت نماید. این امر مسلماً به عادی شدن مناسبات بین دو کشور کمک خواهد کرد. ج. ا. خواستار آنست که مناسبات بین افغانستان و پاکستان عادی شود و این مناسبات به همسایگی نیک ارتقاء یابد.

همچنان ما آرزومند روابط حسن همجواری با ایران هستیم. ما میخواهیم با تمام کشورهای جهان مناسبات دوستانه بر اساس اصول احترام به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، داشته باشیم.

دولت جمهوری افغانستان آرزومند است که در این مرحله حساس و دشوار تاریخی کشور ما، ملل متحد بمتابۀ مظهر اراده جامعه بین المللی، نقش خود را مطابق به موافقتنامه های ژنیو و قطعنامه چهل و سو مین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد بطور مؤثر ایفا نماید و به امر تأمین صلح و تفاهم ملی در افغانستان مدد رساند.

ما باور کامل داریم که بار دیگر آسمان صاف کشور ما از غبار جنگ و کشتار و انتقام جویی پاک گردیده و مردم صلح دوست افغانستان مصروف التیام زخم های جنگ و باز سازی و احیای مجدد وطن گردند.

من - باقی سمندر در مورد کودتا های بیست و ششم سرطان ۱۳۵۲ - هفتم
ثور ۱۳۵۷ - جنبش سوم حوت ۱۳۵۸ در کابل - ۲۴ حوت ۱۳۵۷ خورشیدی
در هرات - ششم جدی خورشیدی ۱۳۵۸ و پانزدهم فروری ۱۹۸۹ میلادی
و موارد دیگری نیز یاد داشتهای را منتشر گردانیده بودم - اینک برای
کوتاهی کلام این نبشته را در همین جا پایان میرسم .

ماخذ:

فیلمهایی منتشر شده در یوتیوب و نوشته های از کتابهای منتشر
شده

نشرات مربوط به شوروی انوقت و نوشته های دکتر نجیب الله و
سایر هم حزبی های وی .

- مقدمه کتاب ارتش سرخ در افغانستان نوشته بوریس گروموف .
ترجمه عزیز " اریانفر "

- صفحه های یک و دو همان کتاب .

- صفحه سوم کتاب ارتش سرخ نوشته گروموف

- از صفحه های سوم تا پنجم همان کتاب

5- به صفحه های شش و هفت همان کتاب مراجعه گردد. در ضمن
بخاطر بسپارید که برای پاسداری از مرزها ده ملیون ربل
اختصاص داده شد. تا پایان داستان حضور شوروی این اختصاص
ها به چند هزار ملیون دالر میرسد و بخاطر مرزها! اما در کنفرانس
لندن جانب روسیه ادعای ده ملیارد دالر قرض بالای افغانستان نمود
و قرار است که در کلوپ پاریس در اینمورد صحبت و معامله
صورت گیرفت. فاکت هارا جمع آوری نماییم.

* نکات بالائی دال براین اندکه روسها امروز از زیر بار پرداخت
توان و غرامات جنگی فرار کرده و در عوض آن ده ملیارد دالر

باچ میگیرند. اگر این جملات مرا وزیر کنونی یا آینده خارجه کابینه حامد کرزی میخواند ، باید متوجه باشد که گپ از چه قرار است و در کلوپ پاریس چگونه برخورد نمودند.

- همان کتاب از صفحات پنج تا هفدهم.

- از صفحه 17 تا 24 کتاب ارتش سرخ نوشته بوریس گروموف – ترجمه عزیز "اریانفر".